



ارگان کمیته خارج از کشور سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) سال اول نیمه دوم فروردین ۱۳۴۷

بن - آلمان فدرال
بقیه در صفحه ۳

تظاهرات بزرگ ۹ آوریل



حزب "کمونیست" کومه له

و فعالیت دمکراتیک در خارج از کشور

جنبش دموکراتیک در خارج از کشور به مناسبت جشنی از جنبش عمومی دموکراتیک و فدا مپریالیستی مردم ایران طبعاً نمی‌شود و علیرغم پاره‌ای ویژگیهای مربوط به شرایط مبارزه در خارج و ترکیب طبقاتی نیروها و نیز خطت دفاعی و افشاگران، در این راه اهداف جداگانه‌ای باشد. این جنبش نیز مشتمل بر جنبش دموکراتیک و فدا مپریالیستی دارای مضمون بورژوا - دموکراتیک بوده و اما از نقطه نظر کمونیستها بعنوان وسیله‌ای برای فراهم نمودن شرایط هرچه مناسب‌تر برای مبارزه سوسیالیستی کارگران در راستای هژمونی طبقه کارگر و کسب قدرت سیاسی تلقی می‌شود. از این رومامن شرکت فعال در آن همیشه از دردم آمیختن مطالبات

نشریه "رسانه" نشریه خبری کمیته خارج از کشور حزب "کمونیست" کومه له در شماره ۵۲ - ۵۱ خود گزارشی از گردهمایی فعالین سابق کنگره - راسیون راه همراه مروری بر سخنرانی غلام کشاورز نماینده کمیته خارج حزب مزبور درج شده است. در بخشی از این سخنرانی طرح اولیسه پلاتفرمی آمده است که به اعتقاد حزب "کمونیست" می‌بایست مبنای بسیج و سازماندهی یک جنبش توده‌ای دموکراتیک در خارج از کشور قرار داده شود. قبل از اینکه طرح مزبور را بررسی کنیم، لازم است ابتدا در مورد جایگاه جنبش دموکراتیک در خارج از کشور و ماهیت و اهداف آن کمی مکث کنیم.

گوتنبرگ - سوئد

استرداد دیک خانوادها ایرانی

روز جمعه ۱۸ مارس گروهی از ایرانیان مهاجر در کلیسای "اسمیرنا" در شهر گوتنبرگ در اعتراض به تصمیم دولت سوئد مبنی بر پس فرستادن یک خانواده چهار نفره به ایران دست به تحصن و اعتصاب غذا زدند. خانواده بخت برگشته که پس از دو سال انتظار روز پنجشنبه ۱۷ مارس توسط پلیس دستگیر و شوا مبادی رفتارهای زندانی شده بودند، علیرغم فعالیت جلوگیری از ایرانیان، از اعتصاب غذا گرفته تا مهوتلگراف به دولت سوئد مراجع حقوق بشر و علیرغم غیرقانونی بودن این اقدام فدیشری، از طریق فرودگاه لندن به ایران برگردانده شدند.

بقیه در صفحه ۲

برلین غربی: تظاهرات بزرگ نیروهای سیاسی و ایرانیان مهاجر علیه جنگ

جنگ طناب پوسیده فقها

خبرها همه حاکی از آنست که دامه موثک بازان شهرها و کشتار مردم، تا ثیرات خود را در تمام حوزه‌های مختلف جامعه و حرکت چرخهای آن بجای می‌گذارد. کوچ مردم تهران و شهرهای کوچک و بزرگ به اطراف که در سطح وسیعی انجام می‌گیرد اگر زمانی نسبتاً بلند طول بکشد، برای مملکتی که همه چیزش در تهران و چند شهر معدود دیگر خلاصه می‌شود، قابل تحمل نخواهد بود. علائم این آشفتگی هسبم اکنون در سازمانهای اداری، کارخانه‌ها و بخصوص آموزش و پرورش ظاهر شده است. کوچ مردم و ترس آنها از فرستادن جگر گوشه‌هایشان به مدرسه، باعث شده که حکومت تعطیل مدارس و آموزشگاههای شهرها را که در تیررس موثک قرار دارند را بپذیرد و ترتیب درس خواندن محصلین در نواحی دور را دسترس موثکها و شهرها می‌ورد انتخاب خود مردم را مطرح نماید. این تعطیل و بهم خوردن نظم آموزش و پرورش تازه از اولین علائم از هم کسختگیها است که در شیرازها مع پیش آمده. علاوه بر این تغییر مکان مردم در کشوری که کمبود کالاهای اساسی و کمبود خصمه همیشه آنست چندان مسئله‌ساده‌ای نیست. افزایش نجومی قیمت‌ها که با بیروزها از آنها می‌شنویم خاطرهای کمجان جمهوری را هم آشفته می‌سازد. بی‌سبب نیست که این بار دولت و بطور مشخص وزیر کشور از مسئولین شهرستانها خواست که با میهمانان که از شهرهای دیگر کوچ کرده اند بخوبی رفتار کنند و امکانات در اختیارشان قرار دهند. برآستی که در هیچ زمانی مردم اینچنین تحت فشار مستقیم جنگ قرار نداشتند و بی‌چنگ هیچ‌زمانی هم خشم و نفرت آنها از عاملین این جنایت‌ها تا این حد متراکم نبوده است. امری که تا تیر خود را در کم و کیف اوضاع مملکت و رابطه مردم با حکومت فقها بیروز خواهد داد.

در جنبش شرايطی فقها با زهم بر طبل جنگ

بقیه در صفحه ۲

انقلاب نیکاراگوئه و وضعیت جدید

بقیه در صفحه ۵

تظاهرات عید پاک

بقیه در صفحه ۱۴

مصاحبه با

یک هنرمند

بقیه در صفحه ۷

جنگ، طناب پوسیده فقها

فرانسه - پاریس

ایرانیان مشرقی علیه جنگ افشاری کردند.

ادامه از صفحه ۱



پس از شروع جنگ شهرها و موشک باران شهرهای ایران و عراق و کشته شدن هزاران تن از مردم میبد فاع و کشور که قربانی این جنگ ارتجاعی هستند، نیروهای مرفعی ایرانی و تعدادی از ایرانیان مبارز در پاریس برای افشاکاری علیه این جنگ ارتجاعی و شکستن توافق سکوتی که در فرانسه در مقابل این فجایع صورت می گیرد، جلب افکار عمومی مردم فرانسه و نهاد های بین المللی کمیته ضد جنگ ایران و عراق را تشکیل دادند.

کمیته چهار رزعا رزیرا محور تبلیغات خود قرار داد.

۱- مرگ برجنگ ارتجاعی ایران و عراق

۲- فروش اسلحه از جانب هر کشوری به دو کشور ایران و عراق محکوم است!

۳- بمباران شهرها و کشتار مردم غیر نظامی محکوم است!

۴- سرنگون باد رژیم ارتجاعی حاکم بر ایران - زنده باد صلح

این کمیته تاکنون سفاکسیون انجام داد باست که عبارتند از:

۱- نمایشگاه عکس و پخش تراکت و اعلامیه در دانشگاه ژوسو.

۲- تجمع تریب ۷۰ تن از ایرانیان مبارز در مقابل یونسکو (سازمان ملل) و پخش تراکت بزبان فرانسوی و همچنین دادن نامه اعتراضی این کمیته به مقامات یونسکو و مخا بره آن به ژنو (د ۲۱ مارس ۸۸).

۳- گرد هم آئی تریب ۶۰ تن از هموطنان مقابل صلیب سرخ و پخش تراکت و همچنین آویزان کردن پلاکارد بزبان فرانسوی که چهار رشعار فوق روی آنها نوشته شده بود.

۴- در ضمن هیئتی از طرف کمیته مسئولین صلیب سرخ ملاقات کرد و بنا به اعتراضی این کمیته ارا نه دادند (د ۲۲ مارس ۸۸).

دادن با کا ز می همان ما ما جرابه مین جا ختم نمی شود. دیگر این جنگ طلبان در سرا را لم صدائی را نمی یابند که حتی در برابر فاجعه بمباران شیعیانی توسط عراق جانب آنها را بگیرد. حتی در این مورد هم آنها نتوانستند با شک تسماح خود را از انزوی مطلق در سطح جهان بیرون آورند، نه سازمان ملل و نه هیچ کشوری حاضر نشدند در سمیت فقهای جنگ طلب جا یگیرد.

اگر مدتها بود که بنیست جنگ چون منگنه ای رژیم را در خود می فشرد، از هم اکنون با چشم غیر مسلح نیز میتوان چشم انداز تغییرات جسدی در توازن قوا بفرقها را دید. این وضعیت بخصوص در دوره ای که بحرانهای حکومتی حادی نیز مطرح است، کنترل اوضاع را بیش از هر زمان می مشکل تر کرده است. ما ما فقهای حاکم تا کجا و به چه میزبان امکان دارند که هنوز به طناب پوسیده جنگ آویزان باشند؟

می گویند ما اینهمه واقعیتی است که هیچ زمانه صدای آنها لحنی چنین در مانده و ضعیف نداشتند است. این مدا و هیاهو مشرات دلخواه خود را نمی یابد و دیگر جز عجز آشکارا نمی نشاندارد. رژیم آنچه در میان افکار مردم جهان بی اعتبار و منزوی شده که در زمان فاجعه آفرینی طرف مقابل هم تنها مانده است. جنگ شهرها و جنگ نفتکشها عملا جبهه زمین را تحت الشعاع خود قرار داده است و در هر دو این عرصه ها فقها از موضع ضعف و در مانگی عمل کرده و این دشمن آنهاست که با تکیه بر عمل را در دست دارد. در جبهه های زمینی که روزگاری عملیات، با هدف فتح کربلا را جاری می زدند و اکنون به حملات موضعی دلخوش می کنند نیز نه تنها دست آورد قابل عرضه ای نمی یابند، بلکه با ضحمله شیمیائی که کشتار جمعی پراه می اندازد و برومی شوند. اگر حلبچه را اشغال می کنند، چه سود، چون ماندن و مستقر شدن در آن همان و سوختن و جان

آنچه که در این رابطه شایان توجه و مایه تاسف است برخورد فرقه گرایی و عدم توجه به برتنسپ های کسب سار د مکرانیک و جمعی است که از جانب برخی از نیروهای سیاسی مشاهده شد. تعدادی از نیروها بدلیل اینکه شعار "سرنگون باد رژیم ارتجاعی حاکم بر ایران - زنده باد صلح" را قبول نداشتند، علیرغم شرکتشان در رای گیریها، بعد از افتادن در موضع اقلیت از هر گونه همکاری سرباز زدند.

ادامه از صفحه ۱

استرداد دیک ۵۵۵

پلیس از فرودگاه های ایران با معترض را که با حمایت طیب سرخ و چند سال زمان دیگر سوختی قصد جلوگیری از اخراج خانواده پناهنده را داشتند با فرستادن نیروهای فدشورش و سگهای پلیس محاصره نمودند و از حرکت آنان جلوگیری کرد.

(طبق قانون اساسی سوئد، پس فرستادن اتباع کشورهائی که در حال جنگ هستند ممنوع است.)

عوا م فریبی رفسنجانی

هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی، رئیس شورای عالی دفاع و فرمانده قرارگاه خاتم النبیا ۵۰۰ و ۱۰۰۰ از روسای مجالس جهان برای قضاوت و داوری در مورد جنایات دولت عراق در حلبچه دعوت بعمل آورد. وی در قسمتی از نامه خود اظهار کرد ما ست که در تاریخ سراغ نداریم که حکومتی مردم خود را در لحظه ای که نیا زنده لجوش دارند اینگونه سبعا نه و بی رحمانه بخاک و خون بگشود.

رفسنجانئی جنایتکار کشتار ۹ ساله خلق کرد در ایران و نمونه های از سبعت رژیم اسلامی از جمله قتل عام قارنا، قلاتن و ۵۰۰۰ را فراموش کرد ما ست. شاید هم مردم کردستان ایران را مردم خود نمی دانند!

تظاهرات بزرگ ۹ آوریل

مبارزه‌ها ادامه می‌یابد!



قطعنامه تظاهرات ۹ آوریل پناهندگان

"ما به طیب خاطر جلای وطن نکرده‌ایم تا وطن دیگری اختیار نکنیم!"

هموطنان پناهنده، شما نه‌ای آزاده!

در شرایطی که مردم کشور، سخت‌ترین دوران زندگی خود را تحت حاکمیت رژیم وحشت و فحشاء اسلامی می‌گذرانند و هزاران تن از فرزندان این مرز و بوم در مخالفت با این شرایط یا اعدام می‌شوند یا سارت حکم وقت قرار دارند.

در شرایطی که جنگ ارتجاعی هشت ساله اشراکات سوء و زیان آور خود را بر تمام جنبه‌های زندگی مردم برجای گذاشته است.

در شرایطی که کارگران، کارمندان، دهقانان و دیگر زحمتکشان جامعه در زیر فشارهای اقتصادی و سیاسی کمر خورده‌اند.

در شرایطی که حقوق زنان جامعه، بیش از هر زمان دیگر مورد تجاوز قرار گرفته است.

در شرایطی که پدران و مادران درسوک جگرگوشگان خودنشسته و در غمی آینه‌نگاری فرزندان نشان برمی‌برند.

در شرایطی که آزادی و دمکراسی در کشورمان معنا شای ندارد.

در شرایطی که مزدوران جمهوری اسلامی حتی بیرون از مرزهای کشور به ترور و سرکوب پناهندگان و مخالفین خود می‌پردازند.

در شرایطی که کشورهای میزبان به بی‌بها نه‌های واهی به تقاضای پناهندگان پرداخته و شرایط غیرانسانی را برای آنان بوجود می‌آورده‌اند.

و بالاخره در شرایطی که خطرات استردادان متقاضیان پناهندگی از جمله متقاضیان ایرانی، را بطور جدی تهدید می‌کنند و تاکنون نیز قربانیانی در این رابطه وجود داشته است.

"ما مسرانه‌ها را خواسته‌های زیرمی‌باشیم."

— ما خواهان برسمیت شناختن همه متقاضیان پناهندگی از تمام کشورهای ویران‌خورداری انسان از حقوقی مسا دل یک شهروند (حق کار، مسکن، مسافرت، رای ...) هستیم.

— تلافی پناهندگان گلپه کشورها را برای گرفتن حقوق حقه و انسانیت نشان مورد حمایت خود می‌دانیم.

— ما خواهان تسویبی قید و شرط استرداد کلیه پناهندگان از جانب دولت آلمان فدرال هستیم.

— ما خواهان کنش‌های مجدد مرز برلین "فردریش" از جانب دولت آلمان شرقی هستیم.

— ما خواهان پذیرش و برسمیت شناختن کلیه پناهندگان از سوی دولت‌های عضو کنوانسیون ژنو می‌باشیم.

— ما خواهان پذیرش و رسیدگی به وضعیت پناهندگان ایرانی در ترکیه، پاکستان، عراق و دیگر کشورهای عربی از طرف UN هستیم.

— ما خواهان قطع فوری و بدون قید و شرط جنگ ارتجاعی ایران و عراق می‌باشیم.

— ما صدوراً سلاح از جانب تمام دولت‌ها را محکوم نموده و خواهان قطع آن هستیم.

— پناهندگان امنیت جانی می‌خواهند. خواهان تعطیل نمودن خانه‌های ترور جمهوری اسلامی هستیم.

— ما خواهان ارسال هیئتی جهت بررسی جنایات جمهوری اسلامی در زندان‌های ایران می‌باشیم.

تظاهرات نزدیک به دوهزار پناهنده ایرانی در شهرین آلمان غربی در ۹ آوریل و در اعتراض به سیاست‌های ضد پناهندگی دولت این کشور نشان داد که کوشش‌های احزاب دست راستی و افراطی مرتجع‌ی چون سیمین، وزیر دادگاه کشور آلمان، بی‌پاسخ نمی‌ماند!

بدنیال فراخوان شماری از کارکنان پناهندگی، که اطلاعیه آن در شماره گذشته همین نشریه درج گردید، تظاهرات با شکوهی با شرکت مهاجرین ایرانی که از شهرهای مختلف در شهر بین‌گرت آمده بودند برگزار شد. تظاهرات کنندگان با شعارهای "قطع روی"، قطع استرداد، استرداد پناهندگان یک جنایت است! فریاد اعتراض خود را علیه تزییقات دولت آلمان که در ماه‌های اخیر تشدید شده است بگوش مردم این کشور رساندند. راهبیمایان همچنین با شعارهایی علیه جنگ ایران و عراق، کشتار مردم و موشک‌باران شهرها را محکوم کردند.

استقبال نزدیک به دوهزار مهاجر ایرانی از این فراخوان نشان می‌دهد که توان بالایی در میان پناهندگان برای مقابله با فشارها و دفاع از حقوق دمکراتیک خود وجود دارد. این حرکت همچنین نشان می‌دهد که علیرغم مشکلات زیاده‌مان بحران‌های درونی کارکنان، اگرچه مشکلات واقعی و شعارهای مشخص توجه شود، حمایت پناهندگان از بیماران و خواست‌ها، البته در جریان تدارک و انجام این حرکت شیوه‌های فرقه‌گرایانه و غیرمسئولانه نسبت به منافع پناهندگان که از طرف بعضی کارکنان مثل کمیته دفاع فرا نکفورت بخشی از کارکنان پناهندگان آخن و کارکنان شهرکاسل پیش گرفته شده به بستگی درونی این حرکت مدعیه‌زده می‌یابد از طرف پناهندگان و فعالین کارکنان محکوم شود.

علیرغم موفقیت تظاهرات ۹ آوریل نباید فراموش کنیم که از یک حرکت نشانی بی‌چیز یا دیدست نمی‌آید، و این مورد را باید فقط بعنوان نقطه شروع تلقی کنیم، زیرا اولاً هنوز حرف ما بقدر کافی به میان مردم این کشور نرفته و هنوز اکثریت مردم از قوانین جدیدی که علیه حقوق پناهندگی وضع می‌شود خبر ندارند، ثانیاً جریان‌های سیاسی ضد حقوق پناهندگی هنوز فشارها را بر پناهندگان اعمال کرده‌اند، بنا بر این به تلاش‌ها نشان ادا شده خواهد داد، به این خاطر ما هم‌تبادل زندانیان کردن موضوع دست برداریم. این قضیه به سرانجام خیل‌ها مربوط می‌شود.

فعالیت را با دیدار در نظر گرفتن نقطه ضعف اساسی دوره گذشته ادا می‌دهیم. بنظر ما اشکال اساسی دوره گذشته در عدم تمرکز کافی روی جنبه بین‌المللی، یعنی جلب احزاب و گروه‌های ترقی‌خواه و جذب حمایت فراکسیون‌های حزب‌یو پارلمانی و تبلیغ در میان مردم عادی بوده است. ما نباید این اصل اساسی را مدنظر قرار دهیم که "مبارزه مهاجر" بدون جلب حمایت مردم بومی‌ها زمانه‌های آنها به هیچ‌کجا نمی‌رسد. ما نباید در خلا فریاد بقیه در صفحه ۱۱

ترجمه کامل قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت

قابل توجه واحدها و فعالین سازمان:

مطابق رهنمود سرفعاله پیام کارگر شماره ۱۶ در مورد مبارزه برای ختم جنگ ارتجاعی ایران و عراق، لازم است که بصورت مشروط خواهان اجرای قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت در مورد جنگ ایران و عراق شویم و این سیاست را در کمیته‌های اقدام و کمیته‌های ضد جنگ مطرح کنیم. لذا متن قطعنامه ۵۹۸ جهت اطلاع از آن در این شماره درج می‌گردد.

تظاهرات ضد جنگ

کانادا -

● چهارشنبه ۱۶ مارس بدنیال جنایات باور نکردنی رژیم‌های ارتجاعی ایران و عراق در بمباران شهرها و مناطق غیرنظامی و استغداد مازیمهای شیمیائی، دانشجویان ایرانی دانشگاه کنکور یا در مونتسرال یک تظاهرات موضعی در مقابل درهای ورودی این دانشگاه ترتیب دادند. این حرکت بین مردم و مطبوعات واد یوتلویزیون مونتسرال انعکاس قابل توجهی داشت.

گرچه این تظاهرات بعنوان یکی از اولین حرکت‌های مسئولانه دانشجویان دانشگاه کنکور یا در مقابل مسائل ایران قدم مثبتی محسوب می‌شود، باید بیاین نکته توجه داشت که دانشجویان می‌توانستند با ارتباط با توده‌های پناهنده و دیگر ایرانیان مترقی و مکررات و نیروهای صلح طلب مقیم مونتسرال به پیشتری رابیاین حرکت اعتراضی جلب کنند.

● چهارشنبه ۲۳ مارس بدعوت کمیته‌ای که اخیراً با هدف برگزاری یک سری حرکات اعتراضی علیه جنگ و مخصوصاً "جنگ شهرها"، از میان پناهندهگان ایرانی مقیم مونتسرال و هواداران نیروهای مترقی و مردمی تشکیل شده است، یک تظاهرات خیابانی در خیابان‌های پررفت و آمد مونتسرال برگزار شد. این دعوت با استقبال صد ها نفر از ایرانیان مقیم مونتسرال مواجه شد، برگزارکنندگان این تظاهرات با ابتکار جالبی از سمبلهای سیاه رژیم جمهوری اسلامی که به جز مرگ و نابودی منابع انسانی و مادی برای ملت ایران در بر نداشتند، استفاده کردند. تظاهرات کنندگان بعد از طی خیابانهای پررفت و آمد با شعارهایی علیه جنگ، علیه جنگ شهرها، علیه استغداد مازیمهای شیمیائی و حکومت در رژیم ایران و عراق در مقابل دفتر روزنامه Gazette، که یکی از روزنامه‌های است که در مقابل نجایمی که در ایران می‌گذرد مدتهاست سکوت اختیار کرده، با قرائت قطعنامه خود به تظاهرات پایان دادند. این کمیته که با نام "جمعیت ایرانیان در تبعید" کار می‌کند در نظر دارد در جلب افکار عمومی مردم کانادا برای حمایت از مردم ایران و عراق و محکوم نمودن رژیم‌های این دو کشور، به فعالیت‌های دیگری دست بزند.

قطعنامه ۵۹۸ (۱۹۸۷)

د راجلاس ۲۷۵۰ شورای امنیت به تاریخ ۲۰ ژوئیه ۱۹۸۷ به تصویب رسید ماست: شورای امنیت با تأیید مجدد قطعنامه شماره ۵۸۲ (۱۹۸۶)، و با وجود توصیه‌هایی که برای آتش بس کرد است، هنوز جنگ بین ایران و عراق بدون آن که تخفیفی پیدا کند، ادامه دارد و زیان‌های سنگین جانی و مالی به بار می‌آورد. شورای امنیت از ادامه این جنگ عمیقاً نگران است. با توجه به آزاریدن وادامه این جنگ، همچنین بمباران مراکز صرفاً مسکونی، حمله به کشتی‌های بی طرف یا هواپیماهای مسافربری، نقض حقوق بشرو سایر قوانین بین المللی مربوط به جنگ، های مسلحانه و به ویژه کاربرد اسلحه شیمیائی برخلاف عهد نامه ۱۹۲۵ ژنو، این نگرانی را عمیق‌تری سازد که ادامه این جنگ گسترش بیشتری پیدا کند.

از این روشو شورای امنیت تصمیم جدی گرفت است که درگیری نظامی میان ایران و عراق را پایان بخشد. شورای امنیت متقاعد شد ماست که بین ایران و عراق باید یک غاهم جامع، عادلانه، شرافتمندانه و پایدار ایجاد شود.

با یادآوری پیش بینی‌هایی که در منشور سازمان ملل متحد شده است - به ویژه در بخش‌های کلیه کشورهای عضو موظف می‌سازد تا اختلافات خود را با روش‌های صلحجویانه، به بطریقی حل و فصل کنند که صلح، امنیت و عدالت بین المللی مورد خنثی‌تر قرار نگیرد، شورای امنیت معتقد است که ایران و عراق با شروع وادامه جنگ، مقررات صلحجویانه مذکور را نقض کرده‌اند. و از این روطیق مواد ۳۹ و ۴۰ منشور سازمان ملل متحد،

۱- شورای امنیت مقرر می‌دارد که به عنوان نخستین گام برای پایان بخشیدن به خصامه، ایران و عراق یک آتش بس فوری اعلام کنند و به کلیه عملیات نظامی در زمین، در دریا و در هوا پایان دهند و نیروهای خود را بی درنگ به مرزهای شناخته شده بین المللی عقب بکشند.

۲- شورای امنیت از بیبرکل سازمان ملل متحد می‌خواهد که از سوی آن سازمان یک گروه ناظر به منطقه اعزام دارد تا جریان آتش بس را ملاحظه و بررسی کرده و آن را تأیید کنند، ترتیب عقب نشینی نیروهای طرفین به مرزهای بین المللی را بدهند و ترتیب اجرای آنچه را که بیبرکل سازمان ملل متحد پس از مشورت با طرفین درگیر برای عملی ساختن مفاد این قطعنامه لازم می‌داند، بدهند و گزارش اقدامات خود را به شورای امنیت تسلیم کنند.

۳- شورای امنیت تأکید می‌کند که بر اساس کنوانسیون سوم ژنو (۱۲ اوت ۱۹۴۹)، پس از قطع اقدامات خصومت آمیز، اسرای جنگی بی درنگ آزاد گردند و به کشورهای خود باز فرستاده شوند.

۴- شورای امنیت ایران و عراق را دعوت می‌کند که با توجه به اصولی که در منشور سازمان ملل متحد مصرح است، برای اجرای این قطعنامه با بیبرکل سازمان ملل متحد همکاری کنند تا توافق عادلانه و شرافتمندانه مورد قبول هر دو طرف در تمام موارد اختلاف حاصل شود.

۵- شورای امنیت از کلیه اعضای دیگر سازمان ملل متحد می‌خواهد که هرگونه اقدامی را که ممکن است منجر به گسترش دامنه اختلاف بین دو کشور گردد، فوراً متوقف کنند و با این اقدام را برای اجرای این قطعنامه هموار سازند.

۶- شورای امنیت از بیبرکل سازمان ملل متحد می‌خواهد که با مذاکره با ایران و عراق برای واگسنداری تحقیقات به یک هیأت بی طرف، در مورد مسئولیت آغاز خصامه کاوش کند و نتیجه بررسی در این باب را هر چه زود تر به صورت گزارشی به شورای امنیت تسلیم نماید.

۷- شورای امنیت از خسارات عظیمی که طی دوره جنگ وارد آمد ماست و از نیاز به فعالیت‌های بازسازی با همیاری شایسته سازمان‌های بین المللی، آگاهی دارد و از بیبرکل سازمان ملل متحد می‌خواهد که به بد رنگ پس از پایان خصامه یک هیأت کارشناس به منطقه اعزام دارد تا نیازهای بازسازی در دو کشور را بررسی کرده و گزارش خود را به شورای امنیت تسلیم دارد.

۸- شورای امنیت از بیبرکل سازمان ملل متحد درخواست دارد که با مشورت با ایران و عراق و با دیگر کشورهای منطقه، اقداماتی را که موجب استقرار امنیت و ثبات در منطقه خواهد شد، مورد بررسی قرار دهد.

۹- شورای امنیت از بیبرکل سازمان ملل متحد می‌خواهد که شورای امنیت را در جریان اجرای مواد این قطعنامه قرار دهد.

۱۰- شورای امنیت در صورتی که لازم شود به تشکیل اجلاس مجددی می‌بادرت خواهد کرد تا تصمیمات مقتضی دیگر برای اجرای این قطعنامه اتخاذ کند.

انقلاب نیکاراگوئه و وضعیت جدید



سربازان ساندینیست

امضای قرارداد اولیه در دهکده مسرزی ساپوا از سوی دولت نیکاراگوئه و فدا انقلابیون کنترا در تاریخ ۲۴ مارس، نقطه عطفی در روند فدا قدامت است که در جای خوب طرح صلح کنترا ریکا از سال گذشته آغاز شده است. بر مبنای قرارداد ساپوا که متن آن بلافاصله منتشر شده است، از تاریخ اول ماه آوریل آتش بس شصت روزه ای آغاز می شود که در حین آن نیروهای کنترا در مناطق معینی در خاک نیکاراگوئه مستقر شده و بلافاصله با انتخاب نمایندگان خود در مذاکراتی شرکت خواهند نمود که بنسبام مذاکرات آتش ملی "شناخته شده و هم اکنون بیسن دولت و احزاب اپوزیسیون در جریان است. متعاقب این مذاکرات و پس از امضای قرارداد قطعی آتش بس، کنترا اسلحه خود را زمین گذاشته و به "زندگی سیاسی" مایلست. آمیزگه از طریق برسمیت شناخته شدن حقوق احزاب اپوزیسیون شرایط آن مهیا می شود می پیوند.

آنچه که در مورد تحولات اخیر نیکاراگوئه بویژه برجسته است، جالاک دیپلما سی دولتست ساندینیست می باشد که خط روشن معینی را با نروش وزیرگی به پیش می برد، این خط کدام است و دلایل انعطاف دولت ساندینیستی چیست؟ برای بررسی سوالات فوق، ضروری است بطور فشرده و سرباره ای از جوه روند پیشرفت انقلاب نیکاراگوئه و مشکلات این انقلاب مروری داشته باشیم. انقلاب نیکاراگوئه بعنوان انقلابی خلقی با اهداف فدا مپریالیستی و فدا مپاری از همان آغاز در ائتلاف بسسا نیروهای صورت گرفت که بعنوان جریانسات لیبرال و لیبرال - دمکرات، خواهان برچیدن دیکتاتوری سوموزا و پایان دادن به شکل فخت - آروا بستگی سیاسی نیکاراگوئه به امپریالیزم آمریکا بودند. این نیروها به علت سرخستگی دیکتاتوری که حاضر نبود به "حقوق بشر" جیمسی کارتر رئیس جمهور وقت آمریکا تن بدهد، بالاحیا ر به سوی ائتلاف با جبهه ساندینیسترا نده شده و حتی در مراحل اولیه شکل گیری دولت انقلابی نیز شرکت فعال داشته و از جمله در دولت ائتلافی نیز شرکت داشتند. پیشروی انقلاب و صراحت یافتن سمت گیری داخلی و بین المللی آن که با دوره تحکیم قدرت انقلابی و نهادها و سازمانهای توده ای ساندینیست هم زمان بود، حیوانات لیبرال، کلیسای رسمی و الیکارشی سنتی دوران سوموزا را بسوی نزدیکی بیشتر رانده و با روی کار آمدن راست نوین در آمریکا که سیاست پس زدن انقلاب در نیکاراگوئه، آنگولا، موزامبیک و... را قائلانه دنبال می کرد، سیاست امپریالیزم آمریکا در مورد نیکاراگوئه نیز تغییر نمود. این سیاست که بر طبق ارزیابی حزب دمکرات از اوضاع داخلی و تعادل قوای طبقاتی دنبال می شود نیز این اساس استوار بود که بسسا دادن امتیازات گوناگون به دولت جوان نیکاراگوئه

سیاست ما خود موجب تحکیم وحدت درونی جبهه ساندینیست، سمت گیری قاطع تر آن بسوی بسوک کشورهای سوسیالیستی و نهفتن های رهاشی بخش و تعمیق رادیکالیزم جنبش انقلابی شد. با پیوستن فدا انقلابیون جدید به صفوف فدا انقلابیون قساری سوموزانی که از قبل به اقدامات نظامی برعلیه انقلاب دست می زدند و با روشن شدن سرخستگی امپریالیزم آمریکا در سرنگون کردن دولت انقلابی نیکاراگوئه، برای انقلاب چاره ای بجز محدود کردن آزادیهای سیاسی و مقابله قاطعانه با دشمن باقی نماند. بدیهی است که در این دوره علیرغم محسنت خط مشی عمومی در مورد سرکوب قاطع دشمن و محدود کردن امکانات فعالیت ستون بنجم آن در داخل، دولت نیکاراگوئه اشتباهات مهمی نیز داشت که در نتیجه این اشتباهات بخشی از جنگستان - مناسرخپوستان مسکیتو - بسوی نزدیکسی و حمایت از دشمن رانده شدند. علاوه بر افزایش فشارهای اقتصادی از سوی امپریالیزم و تحمیل جنگ طولانی به انقلاب نیکاراگوئه آثا رختگی و روحیات تسلیم طلبانه و ترنزل در میان بخشهای دیگری از مردم نیز وجود آمد. در پایان این دوره علیرغم استواری تردیدنا پذیر موضع اجتماعی دولت ساندینیست و حمایت اقتصادی ناشی از ادامه جنگ و محاصره اقتصادی دولت را واداره پذیرفتن طرح صلح کنترا ریکا نمود. در این اقدام مناسب اهداف تاکتیکی متعددی دنبال می شود. در شما می این دوره تاکتیک اصلی دولت نیکاراگوئه

بقیه در صفحه ۱۵

روند رادیکالیزه شدن انقلاب را تا حد ممکن کند کرده و با بیاری طلبیدن فعال سوسیال دمکراسی اروپا و با استفاده ازنا همگونی های درونی جبهه آزادی بخش ساندینیست، به مرور به نیروهای طرفسدار سرمایه داری امکان دهد که با تبدیل شدن به وزن سیاسی و اجتماعی سنگینی، شرایط را برای تعرض درمحل بعد فراق هم کنند. استراتژی فوق اساسا نمی توانست در کوتاه مدت موفق باشد زیرا نیروهای انقلابی و چپ در موضعی قرار داشتند که بسسه هیچ وجه به نیروهای ارتجاع و لیبرال اجسازه ایفای نقش جانیدار انقلاب و یابی طرف در قبال آن، آنهم در بجهوه تحولات و اصلاحات اجتماعی وسیع و بعضا نسبتا عمیق چند سال اول انقلاب را نمی داد. سیاست دولت کارتر در بهترین حالت در درازمدت بدین صورت تحقق می یافت که با حفظ پاره ای از مواضع اقتصادی بورژوازی، دولتست نیکاراگوئه در مواضع منطقه ای و بین المللی خود ضمن داشتن موضع ترقیخواهانه، در مجموع بصورت بی طرف عمل نماید. موضع برتر نیروهای چپ در دولت انقلابی و روند رادیکالیسم انقلاب موجب شد که اولاً سوشیالیسم لیبرال و ارتجاعی بسوی یکدیگر رانده شده در کنار هم ستون اصلی اپوزیسیون فدا انقلابی را تشکیل دهند و ثانیاً دولت ریکان - که تازه با شنا رخنه کردن دولت انقلابی نیکاراگوئه و "تجدید سلاح آمریکا" روی کار آمده بود - با تشخیص شکست سیاست کارتر، برای بازگرداندن آزادی به حیات خلوت آمریکا بسسه حمایت فعال از اپوزیسیون فدا انقلابی و خرابکاری و دخالت علنی در نیکاراگوئه روی آورد. اتخا داین

حزب "کمونیست" کومه له و فعالیت دموکراتیک در خارج از کشور

دموکراتیک و ما هیئت بورژوازی این جنبش —
خواسته های سوسیالیستی و یک آمیزی "سوسیالیستی"
این خواسته ها برهیز کرده و در عین حال برای تبدیل
شدن آن به جنبشی هر چه را دیگال تر و دموکراتیک تر
بیکار می کنیم .

سردرگمی در باره ما هیت طبقاً تی این جنبش
و ترکیب اجتماعی مهاجرین ایرانی، که اغلب از
میان اقشار میانه شهری برخاسته اند و دارای
تمایلات عام دموکراتیک اند، سرچشمه نفی ضرورت
فعالیت دموکراتیک، تنگی خطت توده ای و فراگیر
این گونه فعالیت ها و ادما سیاست مخرب فرقه —
گرائی است که جایگاه و شکل حزبی و اهداف آن را با
شکلهای دموکراتیک مخدوش می کند. این درک تا
کنون مانع از این شده که جنبش دموکراتیک در
خارج از کشور بتواند گامهای قابل ملاحظه ای به
پیش بردارد. در نتیجه در شرایطی که جنبش توده ای
در داخل تحت سرکوب منظم ضد انقلاب اسلامی قرار
دارد، جنبش دموکراتیک خارج از کشور نتوانسته از
تمام ظرفیت های خود برای دفاع از آن و افشاکری
جمهوری اسلامی سود ببرد.

طرح اولیه آقای کتای وز برای بسیج و
سازماندهی یک جنبش توده ای دموکراتیک در خارج
از کشور، نمونه بارزی از چنین سردرگمی را نشان
می دهد. درک این "حزب" از جایگاه این جنبش نیز
حای همان تناقضات اساسی است که حزب مزبور به
لحاظ برنامهای و خط سیاسی — ایدئولوژیک خود
دارا می باشد. در ماده ۱ طرح اولیه چنین آمده
است: " — پشتیبانی و تقویت مبارزه برای
سرنوشتی جمهوری اسلامی و دفاع از: الف — دموکراسی
مستقیم و حاکمیت شورائی در مقابل دولت بورژوازی
پارلمان و ارتش ... " (تا کید زما ست). آقای
کتای وز دفاع از "حاکمیت شورائی" را در صورتی که
جنبش خارج قرار می دهد اما در این مورد سکوت
اختیار می کند که "حاکمیت شورائی" و دفاع از آن
اگر واقعاً بخواد مبنای بسیج یک جنبش توده ای
و دموکراتیک قرار گیرد، چنین جنبشی دیگر نمی
تواند یک جنبش دموکراتیک باشد! زیرا این
"حاکمیت" حتی توسط رادیکال ترین و انقلابی —
ترین نهضت های دموکراتیک نمی تواند عملی شود زیرا
آن حکومت شورایی که در برابر "دولت بورژوازی"
قرار دارد دیگر از نوع دولت های پرولتری
است و خرده بورژوازی (آنهم از نوع مستقر شده در
خارج) ظرفیت دفاع از آن را ندارد.

این نوع دولت که مقدمه استقرار دیکتاتور
پرولتاریا است در شرایطی قابل تحقیق است که
رهبری طبقه کارگری بدنبال کشیدن توده های
رادیکال که بشیوه پیگیر برای دموکراسی انقلابی
مبارزه می کنند، مرزهای یک تحول —
دموکراتیک را پشت سر گذاشته و به سمت سوسیالیسم
به پیش می رود.

نکته مهم ترا ما اینجا است که کتای وز بخواهد
یک سوسیال دموکرات خام که هنوز زولیده فکری
بیشین خود را کاملاً ملا ز دست نداده است زیر نام
حکومت شورایی لیستی از درخواست های بورژوا
دموکراتیک قرار داده و آن را به یک شکل خالی از
محتوی تبدیل کرده است. در میان لیست این
درخواست ها که جنبش دفاعی خارج از کشور موظف به
دفاع از آنها شده حتی یک ماده وجود ندارد که روشن
کنند برای دفاع از "حاکمیت شورایی" که در برابر
دولت بورژوازی و پارلمان قرار دارد از کدام
شمار عملی مشخص باید دفاع کرد.

اگر حزب "کمونیست" واقعاً بخواهد از
حکومت شورائی و برای تقویت مبارزه ای که به
استقرار این حکومت منجر می شود دفاع کند، بهتر
است اهداف و وظائف چنین حکومتی را بر شمرده و
جنبش دموکراتیک مفروض خود را به حمایت از آن
فرا خواند. اما چنین انتظاری بیپایه است. مثلاً
بر طبق ماده ۲ طرح، دفاع از جنبش کارگری،
پشتیبانی از مطالبات کارگران، سنجیدن
(در کجا؟) هیچ خواست و مطالبه ای که علیه حقوق و
منافع کارگران باشد روشن نمی کند کدام دسته
از مطالبات کارگران مورد نظر هستند، کنترل
کارگری یا حق اعتصاب و تجمع. آیا حزب
"کمونیست" کومه له اساساً به این مطالبات
پایبند است و در چنین صورتی چرا آنها را مطرح
میلر نمی کند؟

واقعیت اینست که سکتا ریسم و درهم ریختن
مرزهای درخواست های انتقالی و بورژوا
دموکراتیک پوششی را دیگال برای پنهان کردن
ما هیت لیبرالی و راست دیدگاه حزب "کمونیست"
در مورد مضمون حکومت شورائی می باشد. این
حکومت از نظر آقای کتای وز و همفکران او اساساً
همان حکومت بورژوا — دموکراتیک است که بر
مبنای برنامهدار قتل پرولتاریا می تواند ایجاد
شود: " مطالبات برنامهدار حزب کمونیست
ایران به نظر ما مبنای مناسب و عمومی برای
شکلگیری و شکل دادن به چنین جنبشی (مقصود در
خارج از کشور) می باشد." (نشریه فوق صفحه ۲۹)
اگر برنامهدار قتل مبنای مناسب و عمومی برای
شکل دادن به جنبش دموکراتیک در خارج از کشور
باشد که چنین است — آنگاه با توجه به مضمون
بورژوا — دموکراتیک برنامهدار، "حکومت
شورائی" مورد دفاع این جنبش چیزی به جز فرمول
کلاسیک سوسیال دموکراسی یعنی شوراهای
چارچوب تحول بورژوا — دموکراتیک نمی تواند
باشد، یعنی ایجاد چنین "حکومت شورائی"
بدون مبارزه برای خواسته های انتقالی برنامهدار
پرولتاریا نمی تواند تحقق یابد. بنابراین
شناختن مکتور اساساً در طرح برنامهدار این
حزب "وجود دارد. کفایت که آقای کتای وز

پارلمان بورژوازی را منحل کرده و شکل دموکراتیک
ورزمنده ای از حکومت بورژوازی را بنا می کند.
شوراها برگزینند و بر اساس آن "کارگران آگاه"
یعنی حزب "کمونیست" را بنیادند. آنگاه
خواهد دید که حکومت فوق به جز از طریق فرا
رفتن از دموکراسی پیگیر و گام نهادن در
طریق سوسیالیسم نمی تواند چیزی بیانش
"یک حکومت مستقل از امپریالیسم و ملیتی"
(هما نجا صفحه ۲۸) باشد. شکوه و شکایت گزار
نشریه را بنام "جریان راست". مملط در کمیته
برگزار کننده سمینار کنفدراسیون نیز اساساً به
این دلیل است که این جریان برخلاف آسای
کتای وز به تناقض میان محتوای بورژوا دموکراتیک
برنامهدارهای حزب آن بی برده اند و با دست
بیش کسوتان خود به سوسیال دموکراتهای جوان
و نابالغ حزب "کمونیست" اندرز میدهند که
دست از این شعارها و ذهنیگریها بردارند و خود را
از این تناقضات رها کنند. گزارا نشریه را نه
و دست اندر کاران کمیته خارج حزب مزبور اگر
واقعاً به "راست" بودن جریان فوق باور دارند
آنها در سیاست همکاری و ائتلاف خود با این
جریان دخالت داده و در مورد اغراض عمدی شان
درنا دیده گرفتن میهن پرستی آنان — که
سابقه اش بنا بر آن ناپوشیده باشد از خود
انتقاد می کردند، اما بر نشیپ های حاکم بر
سیاست حزب "کمونیست" در مورد فعالیت
دموکراتیک در خارج از کشور دقیقاً با همین
اغراض و با چپ نمائی که به گاه مشخص می
شود.

در حقیقت حزب مزبور می خواهد که با تعویض
نام خواسته های دموکراتیک و با لفاظی در مورد
"نیروهای کارگری"، "خواسته های رادیکال
کارگری" و "چپ"، "دموکراسی شورائی"
همچنان در مسیر انحطاط سوسیال دموکراتیک به
پیش رود، اما بیبیدار است که بتواند از زمان طولانی
تری از این استنکاف و فریبدهی هر چیزی را بنا
واقعاً معرفی نمود!

از سوی دیگر ما با وجود ما هیت بورژوا
دمکراتیک "حکومت شورایی" مذکور، گنجینه
آن در برنامهدارها رادیکال به آن داده خود
منبع یک گرایش سکتاریستی و چپ نمائی است
شده که با سازماندهی یک جنبش توده ای —
دموکراتیک مغایرت دارد. در نظر بگیرید که طرح
این برنامهدار واقعاً همان برنامهدار انقلاب این
"حزب" می باشد که افراد پذیرش آن به عضویت
آن در می آیند، هیچ هدف دیگری جز سازماندهی
حزبی مردم ندارد. بی علت نیست که در طرح
موجود هیچ اشاره ای به اشکال سازماندهی
مهاجرین نیست و حتی صراحتاً اظهار داشته اند که

در پی سیاست "پیام‌گارگر" جهت آشنا کردن مهاجرین ایرانی با هنرندان و شخصیت‌های سیاسی، اجتماعی و ادبی پیشرو در خارج از کشور از طریق ارائه آثار و نظریات آنها، اینبار با یک هنرمند رشته موسیقی مقیم برلین غربی مصاحبه‌ییرا انجام دادیم. آقای سیروس ملکوتیان، نوازنده گیتار، که چند سالی است مقیم برلین غربی بود روزیته نوازندگی و ارائه آثار خوب هنری تلاش می‌کند، در این مصاحبه نقطه نظرات خود در مورد مسائل مختلف موسیقی ایرانی خصوصاً

وضعیت کنونی آن تحت حکومت سیاه‌فها و چشم اندازهای آن را مطرح کرد ما است .
همانگونه که تیزباد آورشده مایم، ارائه این نظرات در صفحات "پیام‌گارگر" بمعنی قبول همه نکات آن از جانب ما نبود و از سوی دیگر لیل و بستگی سیاسی و یا تشکیلاتی مصاحبه‌شوندگان با سازمان ما نمی‌باشد .

هیئت تحریریه پیام‌گارگر

مصاحبه با

یک هنر مند

خوشحال خواهیم شد اگر نکاتی در معرفی خود و کارهای تکمیل‌شده برای خوانندگان ما توضیحاتی بدهید .

آموختن نوازندگی گیتار را به‌گونه خودآموزی در سنین نوجوانی‌ام شروع نمودم، پس از چند سال به کار تدوین پرداختم، طی همین دوران بود که به‌سرای تدقیق آموخته‌هایم مدتی کوتاه نزد آقای سیروس انزلی‌فراسیایی تحصیل گیتار نمودم. فعالیت هنری‌ام در ایران محدود به تدوین و چند کنسرت می‌شود. سال ۷۹م ز آلمان شدم و تحصیل خود را در رشته تکنوازی گیتار، در مدرسه عالی موسیقی برلین نزد خانم ماریا ناسا نچزنبیلیس ادامه دادم. پس از اتمام تحصیل در سال ۸۴م کار خود را متوجماً هنگ‌سازگی و کنسرت در صحنه‌های بین‌المللی نمودم. در سال ۸۷م اولین صفحه‌های مجموعه کارهایم را انتشار دادم.

آیا به‌منظر شما انقلاب بهمن و جنبش و جوش فرهنگی و اجتماعی طی و بعد از انقلاب، تغییراتی را در پرداخت موسیقی ایرانی موجب شده است ؟
از آنجائی که زندگی هنری در ایران در رنگ‌های تعصب و جاهلیت قرار دارد، دشواری می‌توان به بررسی آثار این دوره پرداخت. چه آنکه آثار بسیاری در این دوره ساخته شده‌اند، که امکان اجرا و بر روی صحنه آوردنشان ممکن نبود. بنا بر این هرگونه بررسی و تجزیه تحلیل موسیقی این دوره با دشواری‌های بسیار مواجه خواهد بود .

در اوایل قیام کمتر توجهی به مظاهر هنری رفت. روشنفکران با آنچنان مبهوت مبارزه "ضد امپریالیستی" خمینی بودند که حاضر شدت برای دستیابی بدین توهم مظاهر آزاد و فرهنگ و هنر را بهای چنین "انقلابی" قربانی نمایند. کمتر کسی توجه خود را به عمق فرهنگ و هنر مظلوم می‌ساخت. حتی هنرمندان هم خود تمایلی بدین‌مطلب نداشتند. حاصل کار پوسته‌های مردان شد و مارش‌های نظامی. موسیقی اصیل بی‌شک با رشد و ابتکارش روبرو گردید. اما این ادهم‌روند نیست

که از دهه ۴۰ آغاز گردید و بود و ربطی چندانی به تحولات بهمن ۵۷ ندارد .

اما موسیقی اصیل نیز به لحاظی نگرش ایستا و ستایندگی و بی‌تغییرگرانه در خود به‌نمایش گذارد .

تداوم بی‌پایان که در دهه‌های جمهوری اسلامی در تدوین شدن موسیقی اصیل صورت گرفته بود، جز در حد و آثار این دوره به‌یگره چشم‌نیاید. شدت گرفتن نوحه‌خوانی تحت عنوان موسیقی آوازی، به‌گونه‌های مشارکت موسیقی اصیل را در ساختن آید تلووژنیک اسلامی به‌نمایش می‌گذارد .

برهانی از سربازان و رهاهای کودکانه در پیشرفت موسیقی ایرانی طی حکومت اسلامی آورد می‌شود، که گویا منوعیت د یگوشیوه‌های بیان موسیقی در ایران موجب ارائه متمرکز موسیقی اصیل را فراهم نمود ما است، و از سوی دیگر گوشه‌ها رفتند آن موسیقی "غیر" دوران یک آموزش تاریخی را می‌گذرانند. (این امتداد بسیاری از دست‌اندرکاران موسیقی اصیل می‌باشند) علاوه بر توهم ساده‌نگارانه این اعتقاد، ما با توجیه مسالمت‌آمیزیک سیستم توتالیته که تا می‌حیات فرهنگی و هنری را تحت نظرم آید تلووژنیک خود در آورد. مواجه‌هستیم. طبیعی خواهد بود که موسیقی‌دانان اصیل ایرانی به‌شکرتناهد ای چنین "موقعیتی ممتاز" خود را در متن سطوره‌ها مخفی سازند .

هنگامی که نهاد های آموزش هنری موسیقی کشور با بسته شدن و یارکود فعالیت مواجه می‌شوند و نسلی جدیدی برای بنای ساختن نوینی برده می‌شوند پیشینیان پرورد نمی‌شود، اگر رشدی هم‌گونه فردی خود مشاهده شود هرگز برپا شدن این رویه‌ها و این دوره نخواهد داشت. من تغییر می‌شود مثبت را در روند کلی زندگی هنری موسیقی در ایران مشاهده نمی‌کنم .

به‌منظر شما زمینه‌ی پیشرفت موسیقی با سازهای غربی در زمانه‌ی ما چقدر راست ؟ با توجه به اینکه شناسایی این موسیقی عمدتاً به‌بخش محدود و از جوانان شهری، آنهم اقشار نسبتاً مرفه منحصر بود ما است ؟

سؤال شما را به‌گونه‌ای می‌توانم دریافت نمودم، نخست پیشرفت موسیقی ایرانی با استفاده از سازهای غربی در میان توده مردم یگری خود موسیقی غربی و نفوذ آن در توده مردم ۱۰۰ پیش از اینکه بتوان به‌سیریک از این دو پاسخی داد، می‌بایست دریافت ما از "توده مردم" روشن تر شود. این توده ۱۰۰ نویه یکسان و یک‌شکل برابری نیست. با حسن و عطفه‌ها بر یک‌بسته آن تا شیریک نوع از زبان موسیقی را در آن تعریف نمود .

نمی‌توان در عصر گوناگونی تما یلات و نیا زه‌های فرهنگی این چنین کلی سخن گفت. کافست گردشی کوتاه در تهران بنماید تا این گوناگونی را دریافت دارید. می‌تواند پای نوا موسیقی را در آن یافت از "آهنگران" گرفته تا یکل جکسن از باغ تا شنگها وزن از گوش و ستارگرفته‌ها بنان و مرضیه از محمود تا پژمان و استوار و زخالی تا طیاران و از دواتر ترکمن تا گیتار فلانکو، و از شوبین تا معروفی و روحانی. چگونه می‌توان در این ناسازگاری تما یلات تا شیر موسیقی را در تما می‌این کلیت تعریف نمود. آنچه را هم‌مردم عامی از موسیقی اصیل و ایرانی می‌شناسند نا روشن است. چرا که فنون موسیقی آرا سک در ایران و انواع ترکیبات هجوه‌گونه و مبتذل موسیقی، که این شناسایی را از انسان گرفته‌است .

موسیقی جدی و معنوی در ایران چه نوع اصیل ایرانی و چه نوع ترکیبی و یا غربی آن با غنا و تنهایی کم و بیش صرفاً فنون خود را در میان روشنفکران اهل ادب و هنر دارد، صورتی بیش از این چیزی جز خود فریبی نیست. طبیعی است امکان پیشرفت هنر موسیقی جدی در مردم هست، زمانی که نهاد های لازم آموزش و اجرایی برپا شوند. زمانی که ابزار تحقیق و تحقیق مردم دیگران برپا نیابند. زمانی که سانسور روزندان وجود نداشته باشد. زمانی که تنگنا های اجتماعی هنر را به‌زند میاد و مردم به‌ادگتن خلاصه‌نمایند. می‌بینیم که همگانی شدن هنر و تفریحی نه تنها سطحی از پایش شعور اجتماعی همگان را نیازمند است، بلکه نهاد های اجتماعی د یگری نیز جهت تحقق این امر ضروری باشند. و اما نکته دیگری در مورد شنوالتان، یعنی آشنایی با این نوع موسیقی که در انحصار بخش محدودی از جوانان شهری است. آیا شما جاعا معنی را سراغ دارید که غیر از این باشد ؟ اتفاقاً مرفه‌بودن آن جوانان هم امکان می‌شود تا بتوانند آموزش ببینند و با فرهنگ و هنر آمیخته شوند. فقر برانگیزنده و مخالف فرهنگ و هنر نیست. این را جاعا معنی‌ناسانی در گداره‌های تاریخی تجربه نمود ما است .

امروز متأسفانه هستند هنرمندان یا ارزشی که بران با وری معنی فرهنگ قهر "مردم‌گرایی" شریک نیست حاکم بر آنان شده‌اند. یعنی با تنزل خود به سطح عامی‌ترین توده‌ها به تحقیق خود و هنر برآمده‌اند. آیا این علریق هنر است ؟



آیند موسیقی ایرانی را چگونه ببینید ؟ آیا این موسیقی " محکوم " است که در چارچوب قالب تاکنونی خود باقی بماند ؟ اگر نه ، چند ریچمهای را رو بآیند میبایم ببینید ؟

هیچ قالب و هیچ قانون بشری عمری جا و اندیشه ندارد . در هنر و موسیقی نیز غیر از این نمی تواند باشد . زیرا قالبها و ارزشهای زیبایی شناسانه هنر ، یافته ها و ملزومات دوره های خاص تاریخ هنرمی باشند که ضرورتا با دوره های دیگر تاریخ بشری تطبیق و کلیت خود نمی یابند . آن موسیقی که جدا مانده است خود نشاندن پیدا کرده و آملها و رد های شان را به میان می آوردند امروز چونان اسطوره ای می مانند که رسا ، در نهایت نفوذ خود ، تنها لذتی ایجاد می نماید ، بی آنکه با انتظار ملزومات انسان حاضر (ما) تطابق یابند . این لذت از همان نوع لذتی است که از دیدن آثار معماری و دران پیشین و یا تصویریک مینیاتور در بیننده حادث می شود . جا معزنده و جالب نیست که تنها پاسدا میراث پیشینیان باشد ، جا معمای زندگی خواهد بود که آفرینش های نوین را محکوم سازد . در جوامعی نظیر جا معما که در ریزش گذار فرهنگی با انواع محدودیت ها و تحقیرها مواجه است ، پاسدا آری از گذشته ، به گونه فراطبیعی و جسی از جوه مبارزه می شود . آنجایی که روابط خانواد و شهروندی به گونه سنتی خود در گرو می شود میباید به های گذشته با رورمی شود . اسلام آید ثلوی " ناجی " می گرد و حفظ و اشاعه موسیقی اصیل ، پاسدا آری از موسیقی کشور ، هر تغییر ، و هر رشدی به جهت هم میزی با دیگر فرهنگها مورد شمت قرار گرفته به " غیر " و " بیگانه " تبدیل می شود . امروز در شرایطی زندگی می کنیم که حیات جهانی هنری معاصر ، به بهای آزاد اندیشی و فرد پتی آزاد از تعصب ، قالبها و قوانین جبری زیبایی شناسانه هنر را پشت سر نهاده است . این البته بدین معنی نیست که هر آنچه که قدمتی که سن دارد باید به بهترین های موزه سپرد ، این نگرش ، سوی فراطبیعی دیگر سکا است که باید از آن نیز بیهیز شود . اینک آینه موسیقی کشور چه خواهد بود ، و به کجا خواهد کشید ، بر هیچکس معلوم نیست البته اگر از عالم غیب گوئی و نصایح پدر ما یا بهر هیز کنیم .

در ریچمهای اروپا آینه موسیقی در ایران را نمی توان با خیالها و رویاها پیوند زد . تصویرگر اصلی آن محصول تجربه و آفرینش های ما خواهد بود . چگونگی آنهم طبعاً تعریفی آید ثلوی که نمی یابد .

را بطه موسیقی سنتی ایرانی و موسیقی غربی چگونه می تواند باشد ؟ آیا به نظر شما بلحاظ فن موسیقی ، امکان استفاد از سازهای متنوع غربی و همچنین قالب این نوع موسیقی خارجی در متن موسیقی سنتی ایرانی وجود دارد ؟ در این زمینه نظرتان را چه بهتجارب ملل دیگر چیست ؟

برای چگونگی امرا مزاج موسیقی ایرانی و غربی نمی توان به یک توضیح آسود را این فرصت کوتاه قیاسی روشنی یافت . اینکا زک امین تجربه علم " ها موسیقی " (هدا هنگی صدا) در چند صدایی نمودن استفاد ه شده ، به عقیده من نمی توان و نمی بایستی اصولاً از دستور عمل برای آرایش تعیین شد حرکت نمود . آسوری ست که در کنار تحقیق و کار منوط به سلیقه و گرایشهای زیباشناسانه هنرمند می گرد . موسیقی غرب سالهاست که از موسیقی شرق بهره می گیرد . اگر از دوران زنا نسائی و نفوذ موسیقی ایرانی تحت امیرا طوری سلامی در اروپا بگذریم ، موسیقی قرن حاضر بخصوص مکتب امپرسیونیسم پس از آن ، تجارب ارزشمندی را پیش روی ما می گذارد . جنبه های ریتمیک ، ملودی و نتها در موسیقی شرق عناصرهایی برجسته در موسیقی مدرن می باشند . این بهره گیری اما در همه جنبه های هنری نظیر نقاشی ، شاتر و بخصوص باله مدرن حضور خود را تصویر می سازند . این بهره گیری طبعاً با مل می در عنصر بدعت و خلافت هنر غرب گردیده است . موسیقی کشورهایی نظیر ما بجای آن که تنها منبع تغذیه برای بیان دیگران باشند ، می توانند سهوشا رکت جدیدی تری را در صحنه جهانی موسیقی ایفا نمایند .

بر آینه کار در چند دهه قبل نشان از این می مشا رکت می دهد . آرا تا موسیقی انانی نظیر امین الله حسین ، پژمان ، هوشنگ استواره علی رهبری ، که با گرایش متغایرت زیباشناسی خویش آثار بیرونشند که بگذریم ، نمونه های سنتی ترکیب نظیر " نی نوا " از ساخته های حسین علیزاده نشانهای آرا این میل همبستگی به صحنه موسیقی جهانی معاصر بروز می دهند . در ضمن هر کدام به نمونه معر ف چگونگی امرا مزاج در زبان موسیقی می باشد . موسیقی ملی و فولکلور ما منبع سرشاری را برای کارهای عظیمتری در خود دارند . راهی ست که آموزش و تحقیق و تجربه می خواهد . در بسیاری از کشورهای غیر اروپایی امروز با تکیه بر هویت موسیقی ملی خود کارهای اینچنینی می شود ، نظیر کره ، ترکیه . همچنین در یونان و کشورهای اروپای شرقی . تجارب قدیمی ترو کلاسیک این امرا مزاج را شاید بتوان در او خرقن نوزده در شوری مشاهده نمود و یا تجربه شوریک و عملی بلایار . تروک (که من شخصاً بلا قه خاصی بدان دارم) از نمونه های آرزنده دیگر تاریخ معاصرمان می باشند .

تنها باید در این راه به یک موضوع توجه داشت که بهره مندی از هر تجربه ای نمی بایستی به صورت کزینش نکهت به نکهت آرا انجام پذیرد .

آیا بنظر شما موسیقی ، بطور کلی ، می تواند در ایران نقش یک " آهرم برانگیزنده " و پیش برنده شعور اجتماعی ، نظیر آنچه حد و دی موسیقی کلاسیک در قرن نوزدهم در فرانسه و آلمان داشت (اپرا های بوردی ، روسینی ، موسیقی سیلیوس ، شوپن و شچون) ایفا کند ؟

ویژگیهای موسیقی اصیل در حوزه نگر حاکم بر آن

و شکل بیانی آن ، بگونه ایست که بتوان موسیقی توصیفی را از آن استنتاج نمود . صحنه آرای توصیفی فاستا نی هرگز در موسیقی اصیل د خالستی نداشته است . درون نگری موسیقی اصیل میبایست تاریخی و نسه پدید های وظهور ، تلاشهای هر چند اندک اما مفید در زمینه اجتماعی نمودن (در نیوی نمودن) موسیقی ایرانی گردیده ، اما کشش غنی و تاریخی درون نگری مانع بزرگی برای این نحوه برازیان بودن ما ست .

مثلاً وقتی موسیقی ایرانی به کمال شعربر آن است تا واقعیتی اجتماعی را بیان کند ، تضادی بسیار ملموس از یکنا سازگاری را به نمایش می گذارد ، مثلاً توصیف ناز زیبایی را که در شعر منظور شد با موسیقی ملودیک گاز حیث هارمونیک نیز بسیار مطبوع می باشد بیسان می دارد .

من برای این عقیده ام که موسیقی دان ایرانی پیش از هر چیز محتاج یک خانه تنگانی در شعور حاکم بر خود می باشد تا در پی آن در کار خود بتواند خالستی در نیوی را ممکن سازد .

نمونه های از موسیقی بصورت تصنیف پس از قیام ارائه گردیده اند ، اما اینکه آنها را در زمینه موسیقی هنری وجدی قرار داد بسیار بعید می دانم . آنچه واقعیت است ما از چنین موسیقی برخوردار نیستیم و آنچه حقیقت است موسیقی در کشور ما می تواند برانگیزنده طاعلفا نسائی به آن معنایی که شما مورد نظران هست باشد .

در شرایط فعلی اوضاع ایران ، شما چه مینمای بر آیر شد و گسترش موسیقی در ایران می بینید و به نظر شما هنرمندان ما چه مدنی را می باید پیش روی خود قرار دهند ؟

در شرایط فعلی ایران زمینای برای رشد و گسترش موسیقی نمی بینم ، منظور این نیست که فسلان موسیقی دان و فلان نوازنده در کار خود تکامل ورشدی را ممکن نمی سازد . بلکه وقتی ما صحبت از رشد و گسترش هنر در کلیت یک جامعه می نمایم ملزومات اجتماعی آنهم از جمله بر آرا آموزشی تحقیقی ، اجرائی و تبلیغی باید دیگر تجارب مورد نظر می باشد .

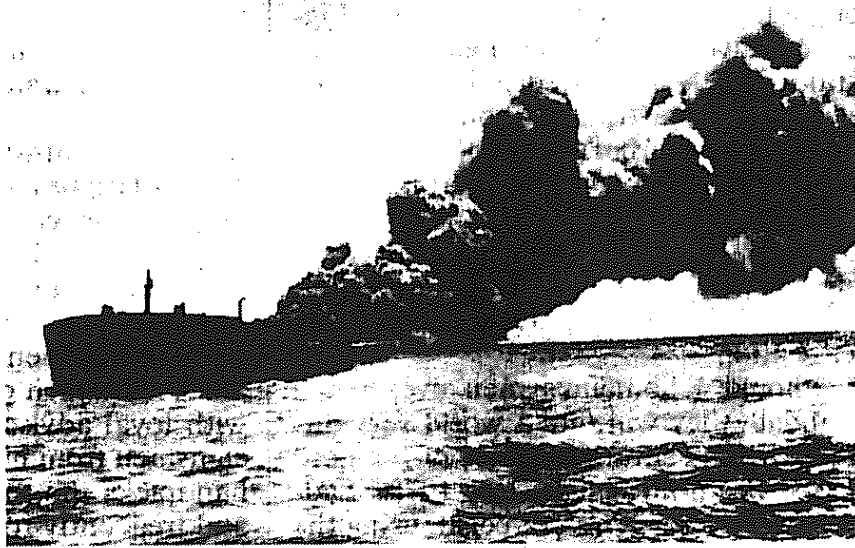
وقتی اجرای آثار و پخش آثار من و بسیاری از همکارانم در ایران متنوع باشد ، وقتی شعرا عرا ن چاپ نگردند ، وقتی بی گرد و اعدام شوند و تابلوه های نقاشی در دستوی خانه ها انتظار بکشند ، از چه گسترشی می توان سخن گفت ؟ ترسم از آن است که همان بلائی بر سرمان بیاید که بر سر هنرمندان آلمان در طی حکومت هیتلر آمد .

دوازده سال در وی از جا معما و از مردم ، موجبات انشعابی تاریخی را در هر دو سو با رور ساخت . تا آنجا که در تاریخ موسیقی ، سال ۱۹۴۵ سال صفر قلمداد می شود . بی شک مسیر پیشرفت شوئن برگه می توانست به گونه گریاشد اگر امکان تبادل با مردم را می داشت .



کنفرانس کشورهای اسلامی
جمهوری اسلامی را محکوم کرد

روزجمعه ۵ فروردین - برای نخستین بار در تاریخ حیات کنفرانس کشورهای اسلامی، جمهوری اسلامی با اکثریت قاطع آراء نمایندگان محکوم گردید. حتی نمایندگان دولت‌های لیبی و سوریه نیز که قبلاً در مسواریت متعدد در رژیم ایران حمایت کرده بودند در این کنفرانس از قطعنامه محکومیت ایران حمایت کردند. کنفرانس رژیم جمهوری اسلامی را بدلیل ایجاد حادثه سال گذشته در مکه که صد هائزافران زائران حج کشته شدند و عسدم پذیرش قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل محکوم کرد. نمایندگان ایرانی قبل از پایان کار کنفرانس، جلسات آنرا ترک کردند. آنها حتی این انتظار را که کنفرانس عراق را بخاطر استفاده از سلاحهای شیمیائی محکوم کند، برآوردند.



دیونفتکش هندی و دانمارکی در خلیج فارس مورد حمله
تایقهای توپدار قرار گرفتند.
نفتکش ۳۳۷۷۰ تنی دانمارکی (کارامارسک) و توپدار قرار گرفتند و دستخوش حریق گردیدند.
از روز ۸ فروردین در خلیج فارس مورد حمله تایقهای نفتکش هندی که مشخصات آن معلوم نشده است، بعد

ساخت سلاحهای شیمیائی
توسط جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی تکنولوژی لازم برای ساخت سلاحهای شیمیائی و انواع گازها را در اختیار دارد.

خرید بلیط پروازهای خارجی با ارز

معاونت وزارت راه و ترابری رئیس سازمان هواپیمائی کشوری طی بخشنامه‌ای اعلام کرد که از تاریخ ۲۷ اسفند ماه سال ۶۶ بلیط پروازهای خارجی با روشی که مورد تایید بانک مرکزی باشد به اجرا خواهد گذشت. مسافرینی که قبل از این تاریخ بلیطهای خود را به ریال تهیه کرده‌اند می‌توانند تا ۲۷ فروردین از کشور خارج گردند. در غیر اینصورت باید بلیطهای خود را به قیمت‌های ارزی تعویض نمایند. ارزش بلیطهای کشوری قیمت ریالی و ارزی بلیط پروازهای خارجی بدین شرح اعلام شد.

تهران - بمبئی	۶۳۲۴۰ ریال	حدود	۸۵۰ دلار
تهران - لندن	۲۸۲۰۰ ریال	حدود	۱۸۰۰ دلار
تهران - فرانکفورت	۱۱۹۹۸۰ ریال	حدود	۱۶۰۰ دلار
تهران - نیویورک	۳۲۳۸۰ ریال	حدود	۵۰۰ دلار
تهران - پاریس	۱۱۹۹۸۰ ریال	حدود	۱۶۰۰ دلار
تهران - وین	۱۷۲۶۰ ریال	حدود	۱۶۰۰ دلار
تهران - زوریخ	۱۷۲۶۰ ریال	حدود	۱۶۰۰ دلار
تهران - توکیو	۱۸۲۰۲۰ ریال	حدود	۲۵۰۰ دلار
تهران - پکن	۱۲۵۰۲۰ ریال	حدود	۱۸۰۰ دلار
تهران - استانبول	۶۵۱۸۰ ریال	حدود	۸۸۰ دلار

این قیمت‌ها توسط "انجمن بین‌المللی حمل و نقل هوائی" یا "اتا" تعیین شده است. اما پیش بینی می‌شود که هواپیمائی کشوری تخفیف‌هایی در حد ۴۰٪ یا بیشتر قائل شود.

تعداد ذراتین مکه به ۱۶۰ هزار نفر رسید!

امور حج وزارت رژیم جمهوری اسلامی طی اطلاعیه‌ای اولویت جدیدی را اعلام کرد و از متقاضیان حج که مشمول اولویت جدید هستند، خواست تا هر چه زود تر با دست داشتن مدارک لازم به ثبت نام خود اقدام نمایند.

رژیم فقها با توجه به تعداد دولت عربستان نسبت به هرگونه تشنج و حادثه‌آفرینی در تنگه، قصد دارند با افزودن بر میزان حجاج ایرانی رژیم سعودی را تحت فشار قرار دهد. عربستان سعودی در کنفرانس اسلامی خواستار شد یک سوم از تعداد حجاج ایرانی کاسته شود.

رفسنجانی در ۴ فروردین در مصاحبه با خبرنگاران ایرانی و خارجی اطلاعات داد که رژیم جمهوری اسلامی تکنولوژی لازم جهت ساختن سلاحهای شیمیائی و ساخت انواع گازهای مرگبار را در اختیار دارد و می‌تواند از آنها استفاده کند. وی اضافه کرد که تضمینی وجود ندارد که صبر و قناعت را مقابل اقدامات رژیم عراق ادامه داشته باشد و آنجا که دست روی دست بگذارند. وی همچنین در مورد گروه‌های انگلیسی، آمریکائی و فرانسوی اظهار داشت که کارشناسان آنها در تهیه رقیب مانع از آزادی گروه‌ها گردیده است و گروه آقایی شیراک و ریگان به حل مسئله گروه‌ها نزد یک شده‌اند.

مصاحبه‌ای با...

هنرمند می‌بایست با جا معاش تجربه خود را در میان بگذارد و از این طریق در قضاوت شنوندگان کارش تأثیر بگذارد. و از قضاوتشان تأثیر ببرد. حال این امکان برای بسیاری از ما نیست. کار ما این نیست که از نوعی نم پدیدمان بگیریم و آهی از حسرت بزرگ آرمیم. می‌بایست در همین غربت شرایطی را برپا کرد. یکدیگر را هم آورییم تا بتوان با لایحی را در هر دو سو ممکن گردانید.

در این راه می‌بایست نسبت به یکدیگر یاد بدهیم. انتقاد بی‌نگرستی نهی و تفاوت و پرخاشگرانه تا آنجایی که کارمان به با بوسی و دستبوسی بکشد.

ادامه از صفحه ۵

تظاهرات بزرگ نیروهای سیاسی و ایرانیان مهاجر علیه جنگ

انقلاب نیکا را گوئید و وضعیت جدید

منفرد کردن کنتررا در داخل نیکا را گوشه در عرصه بین المللی و دادا شدن آمریکا به قطع کمک به آنها و همچنین بی آینده کردن عملیات نظامی آنها از طریق وارد آوردن ضربات نظامی به آنها بوده است. این تاکتیک به لطف درایت و نشاط سانیست ها تاکنون با موفقیت پیش رفته است. با جذب سرخ - بوستانی که با کنتررا همکاری می کردند و عادی سازی شرایط فعالیت سیاسی برای اپوزیسیون غیر مسلح، کنتررا تا حد بسیار زیادی در صحنه داخلی منزوی شد. با جلب افکار عمومی مردم مرفقی جهان و آمریکا و اعمال فشار بر هیئت حاکمه و بهره گیری از تضاد جناح های مختلف آن، کمک نظامی به کنتررا از جانب آمریکا با موانع مهمی روبرو شد. و با لاکسره آخرین ضربات نظامی در ماه مارس به کنتررا ها در مرز هندوراس، آنها را در موقعیت ضعیفی قرار داد. مجموعه این شرایط شکاف در درون کنتررا را هم تشدید کرده است. "تریکه برمودز" از فرماندهان اصلی نیروهای کنتررا و از رهبران گارد ملی سابق سوموزا، با اکثریت سردمداران ضد انقلابیون به مخالفت برخاست و از امضای قرارداد آتش بسس بین دولت و کنتررا خودداری نمود. واقعیت آنست که مشکل اصلی دولت نیکاراگوا نه در حوزة سیاسی و نه در قدرت نظامی بلکه در حوزة اقتصادی است. این کشور فقیر که سالهاست در محاصره اقتصادی آمریکا بسر می برد و از داخل تمامی امکاناتش توسط خرابکاری ضد انقلابیون نابود می شود و در جنگ علیه آنها به هدر می رود، قادر به تامین نیازهای اقتصادی و برنامهریزی برای پیشرفت نشده است. و اگر کمکهای بیدریخ اردوگا و سوسیالیستی و دیگر متحدانش نبود با مشکلات بمراتب شدیدتر تقصا دی روبرو می گردید. نرخ تورم در سال ۱۹۸۷ برابر ۱۵۰۰ درصد بوده است و مشکلات مبادله و کسری آن هم جدی بود که دولت در ماه فوریه دست به اصلاح پولی و تغییر نرخ برابری آن با دلار زد. وضع چنان است که "دانیل ارتگا" یکبار گفت: "برنا ما اقتصاد بی برناهای برای بقا و نه برای پیشرفت است. در چنین اوضاع و احوالی تاکتیک مقابله با ضد انقلابیون مسلح به پیش رفته است.

با برقراری آتش بس قطعی، مبارزه با ضد انقلاب به شیوه مسالمت آمیز و سیاسی ادامه خواهد یافت. ما این واقعیت که کشوری انقلابی در آمریکا لاشین از مبارزه با برمرک و زندگی پیروزی بیرون آمده و در جریان این مبارزه بسر چهره ریگا نسیمتف کرده است، حادشای نیست که بتوان آن را دست کم گرفت.



رسوایی افشاء گردید، محکوم شد. این راهیما شی بدعت :
 هواداران سازمان وحدت کمونیستی در اروپا - برلین غربی، سازمان دانشجویان ایرانی در آلمان فدرال و برلین غربی هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران - برلین غربی، هواداران سازمان کارگران انقلابی ایسران (راه کارگر) - برلین غربی و با پشتیبانی کانون پناهندگان سیاسی ایرانی - برلین غربی و
 Fluchtburg - Asyl ev
 Asta Tu - Asta Fu
 Asta TFH - Dev genc - ESG
 Halkevi - Frauenpelenum
 برگزار گردید.

روز دوشنبه ۸۸/۴/۱۱ برلین غربی شاهد راهیما شی بیش از هزار نفر از ایرانیان مبارزو مرفقی علیه جنایات جنگ ایران و عراق و موشک باران شهرهای دو کشور بود. راهیما بیان شعارهای سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی، جنگ شهرها و بمباران مناطق مسکونی محکوم است، صدور اسلحه به ایران و عراق را قطع کنید، خیا بهای مرکزی شهر را با تیراندازی اعتراض خود علیه جنگ ایران و عراق، یکی از بیشترین و تیرجایی - ترین جنگهای جهان، زیر پا گذاشتند. تظاهرات حدود ۲/۵ ساعت طول کشید و در طی آن دولت آلمان به عنوان یکی از مهمترین تامین کنندگان اسلحه برای ایران و عراق که اخیرا در بمباران شیمیایی مناطق کرد نشین عراق نمونه های از آن با

حزب توده و داستان مقاومت!

خواندن نشریات حزب توده از نظر که جالسب نباشد برای خنده و مزاح بدک نیست کافی است چند شماره آنتراورق بزنید. مثلا مردم شماره ۱۸۷ را این نشریه نامهای با عنوان "پایداری در زندان" بچاپ رسانده که در اولین نگاه خواننده فکرمی کند چه عجب - حزب توده در مورد پایداری و مقاومت نیروهای مارکسیست و انقلابی در زندانها مطلبی نوشته است، اما وقتی آنرا میخواند با یک جعل خنده دار از لوری دیر کشف شده بود ما میا و تبعیت بیمارگونه حتی این گزارش جعلی از سیاست اثنالانی حزب توده روبرو میگرد. نامها بر باد غای روزنامه مردم "یک دوست غیر توده ای" برای شان ارسال نمود ما است او خود شخصا شاهد بود که زندانیان توده ای و فدائی و یگان بسا تحمل سخت ترین شکنجه ها توانستند جوار غاب و شکنجه را در هم بشکنند. و مبارزه و مقاومت آنان بود که رژیم را وادار به حذف لاچوردی کرد ما است! تا اینجا خواننده ممکنست با خودش در جدال قرار گیرد که با حزب توده دروغهای بی بروئی در جستجوی آبروبرآمده و فکر کرده اگر در این مورد هر چند دروغ بیافد بخاطر حرمت زندانیان و یگان چشم فرو می بندند و مثل سایر افتضاحات حزب آن را افشانی کنند اما قصه سرد راز دارد. گوش کنید مثلا وقتی صحبت از اعتصابات زندانیان می شود: "در این اعتصابات رفقای شما به همراه فدائیان نقش سازمانده ای را ایفا کردند؟ جل الخالق معلوم نیست چرا رهبران حزب چهارنا پر هیزی شد مویر خلاف سنت و آموزش و اعتقاد آنها که همیشه مقاومت و پایداری را چپ روی می دانستند و برخلاف سنت "تاریخی" شان که بسا یکی در ونا آمیول! نه تنها همه چیز را گتند، نه تنها در شوهای متعدد و طویزیونی به جاسوسی اعتراف کردند، نه تنها صد ها صفحه رستاخیز را مام امت سیا مکنند،

بلکه به تمام اعضا و هواداران گول خورده و گول نخورده حزب دستور تسلیم دادند از مقاومت و پایداری دم زده و مقام رهبری و سازمانگری مبارزات زندان را نیز به خود اهدا می کنند. ضرب المثلی هست معروف کمی - گوید: "اگر پدر شرانندید بود، اندای اسب و افسار ترکمنی می کرد!"

اما چنین داستان پردازی های بیغف مؤلفین ریسز و درشت - مثل اکثریت سازمان مجاهدین خلق تنها یک روی سکه بیاری اپورتونیسیم است، که همیشه گزارشات، اخبار، مقالات و... منتشر میاش تا بس سیاست اثنالانی اوست. یکیه جزئیات و استثنائات برای انگار و پوشانیدن جریان عمومی وقاعه مند، روی دیگر سکه است. طرح مطالبی مثل: "اکثریت فقای شما که به زندان یا اعدام محکوم شده اند، وفاداری عیبق خود را به حزب و سازمان اعلام داشتند. روحیه رفقای شما بالاست، بارها صدای زند بهاد حزب توده ایران در اتاق دادگاه هنگام محاکمه توده ای ها که معمولا چند دقیقه طول می کشد، طنین افکن شده است. تنها و تنها تلاش مضحک است برای پوشاندن این حقیقت که حزب توده نه تنها هرگز مقاومت را تجویز نکرد، نه تنها مقاومت در تار موشان "چپ روی" بود بلکه در مواردی همگام با افتاد، متأثر از عواملی بغیر از آموزش و تربیت این حزب بود ما است. در طول دهها خیر آنان همه جا مقاومت و پایداری جنبش انقلابی میهنمان را چپ روی و لجاجت غیرلازم و قهرمان پروری و... نامیده و تخطئه نمودند. راه و رنرویم به همین مردم شماره ۱۸۲ مقاله "قدرت اخلاقی ضامن پیروزی" مراجعه کنید، ابدا کلامی در مورد مقاومت و پایداری و اهمیت آن در بقیه در صفحه ۱۳

خاندن نشریات حزب توده از نظر که جالسب نباشد برای خنده و مزاح بدک نیست کافی است چند شماره آنتراورق بزنید. مثلا مردم شماره ۱۸۷ را این نشریه نامهای با عنوان "پایداری در زندان" بچاپ رسانده که در اولین نگاه خواننده فکرمی کند چه عجب - حزب توده در مورد پایداری و مقاومت نیروهای مارکسیست و انقلابی در زندانها مطلبی نوشته است، اما وقتی آنرا میخواند با یک جعل خنده دار از لوری دیر کشف شده بود ما میا و تبعیت بیمارگونه حتی این گزارش جعلی از سیاست اثنالانی حزب توده روبرو میگرد. نامها بر باد غای روزنامه مردم "یک دوست غیر توده ای" برای شان ارسال نمود ما است او خود شخصا شاهد بود که زندانیان توده ای و فدائی و یگان بسا تحمل سخت ترین شکنجه ها توانستند جوار غاب و شکنجه را در هم بشکنند. و مبارزه و مقاومت آنان بود که رژیم را وادار به حذف لاچوردی کرد ما است! تا اینجا خواننده ممکنست با خودش در جدال قرار گیرد که با حزب توده دروغهای بی بروئی در جستجوی آبروبرآمده و فکر کرده اگر در این مورد هر چند دروغ بیافد بخاطر حرمت زندانیان و یگان چشم فرو می بندند و مثل سایر افتضاحات حزب آن را افشانی کنند اما قصه سرد راز دارد. گوش کنید مثلا وقتی صحبت از اعتصابات زندانیان می شود: "در این اعتصابات رفقای شما به همراه فدائیان نقش سازمانده ای را ایفا کردند؟ جل الخالق معلوم نیست چرا رهبران حزب چهارنا پر هیزی شد مویر خلاف سنت و آموزش و اعتقاد آنها که همیشه مقاومت و پایداری را چپ روی می دانستند و برخلاف سنت "تاریخی" شان که بسا یکی در ونا آمیول! نه تنها همه چیز را گتند، نه تنها در شوهای متعدد و طویزیونی به جاسوسی اعتراف کردند، نه تنها صد ها صفحه رستاخیز را مام امت سیا مکنند،

تظاهرات ۱۰۰۰ ادا ماه ز صفحه ۳

بیزنیم ، با یصدای ما ، درخواست های ما ، مشکلات ما منظور که هست به گوش مردم برسد و آنها را وضعیت ما را درک کنند ، همبستگی ما جریب شرط لازم برای چنین هدفی است ولی کافی نیست . در شرایط زندگی ما ، هرکاتون وانجمنی که برای حقوق دموکراتیک مردم ایران از جمله حقوق دموکراتیک بنا هندگان مبارزه می کند بنا پیدا را ی یک با زوی فعال و قدرتمند در میان خارجی ها باشد . درغیرا بصورت دست یافتنی هدف مشکل یا شاید حتی غیر ممکن می باشد . این مسئله صورت های گوناگونی دارد . که بعضا شناخته شده اند . مثلا احزاب و اتحادیه های کارگری در آلمان بخش های مربوط به بنا هندگان دارند . فراکسیون های پارلمانی بخصوص مربوط به حزب سبزها در این عرصه فعالیت خوبی دارند . روزنامه ها و مطبوعات فراوانی وجود دارند که حاضرند درخواست ها و مبارزات بنا هندگان را منعکس کنند ، که آنها و امکانات فراوان مشابه آن می توانند در خدمت مبارزات ما قرار گیرند . برای فعالتر کردن این با زودر شرایط حاد کنونی شاید مناسب باشد که از میان کانون های فعال کمیته ای تشکیل دهیم برای مراجعه به اینجا و آنجا و گفتگو با شخصیت ها و احزاب و فراکسیونها . این کار بطبعاً نباید جلوی اقدامات مشابه و در سطح محلی که هرکاتون می تواند و باید انجام دهد بگیرد . ولی با وجود کمیته ای مؤثر و پیگیر ، کار قوی تر پیشرفت خواهد کرد . برای این منظور و در تمام سطح کانونها احتیاج هست که از "ردیها" از اوضاع بنا هندگان در پاکستان و ترکیه ، از مواردی که به ایران برگشت داده اند ، از تاشیرات مخرب این شرایط رویدهنیت بنا هندگان و مواردی که بنا هنده حتی مجبور به خودکشی شده است بیرونده ای تهیه کنیم که بعنوان مدرک و منبع تبلیغات بکار برود .

شعار "توقف ردی" و قطع استرداد ، شعارهای همگانی بنا هندگان از کشورهایی مختلف است ، بنا بر این حول آنها می توان حرکت مشترک گسترده تری را سازمان داد . فشارهای اخیر علیه بنا هندگان در کشور آلمان غربی ، و بخصوص حادثه نشتن قضیه استرداد بنا هندگان و افزایش مردودین آلمانها ، همزمان است با شدت گیری جنگ ایران و عراق و ایجاد بی باقی که جنگ شهرها و کشتار مردم عادی پیدا کرده است . این جنگ لعنتی امروز بیش از هر زمان دیگری افکار عمومی مردم جهان را بخود جلب کرده و نفرتشان را برانگیخته است . مردم عادی این کشورها از ادا ماه این آدمکشها خرابی بسته آموخته اند و احساس می کنند که اینها را رابطه ادا ماه بین جنگ را با آوار شدن خانه ها ، جوارها و جوانان کشور ما می فهمند . این زمینه بسیار مناسبی است که تبلیغات ما میان مسئله جنگ و آوارگی بیوندر برقرار کنند و توجه افکار عمومی را به فعالیت های ارتجاعی و همکاری دولت ها -

بنا با جمهوری اسلامی و بنا بر این ادا ماه جنگ جلب کنیم ، این موضوع باید به روشنی تبلیغ شود که میان فروش اسلحه به جمهوری اسلامی و تحویل بنا هندگان به این دولت جنایتکار رابطه وجود دارد . حمایت از بنا هنده خود جزئی از مخالفت با جنگ خلیج می باشد .

بعلت با زتاب منفی جنگ بر ذهنیت مردم جهان علی الخصوص مردم کشورهای اروپایی ، طرح شعار پذیرش بنا هندگی همه بنا هندگان ایرانی را سرروز مقبولیت زیاد است ، این شعار که در راهپیمایی بزرگ ۹ آوریل نیز مطرح شدنشان می دهد که شعار مورد قبول همه ما است ، بنا بر این این شعار را به محوری ترین شعار تبدیل کنیم چون این شعار در بر گیرنده دو شعار "توقف ردی" و "قطع استرداد" نیز هست ، این بدین معنا نخواهد بود که دو شعار مذکور را حذف کنیم ، بلکه منظور اینست که جهت طرح هر دو شعار "توقف ردی" و "قطع استرداد" باید در یک نقطه تثبیت شوند و جهت دراز مدت مبارزه ما علیه این سیاست که هر از چندنگا می مطرح می شود روشن باشد . ما با یصدای همه استرداد و عدم پذیرش بنا هندگان ایرانی را از سر ما جریب ایرانی رفع کنیم ، با یصدای بتوانیم راه آلمان بنا هندگان ایرانی در پاکستان و ترکیه را که در بدترین شرایط اجتماعی و سیاسی بسر می برند به کشورهای اروپایی یا آمریکا باز کنیم . لازم است اینکار چنانچه در ابتدا گفته شد ، ادا ماه کار است . راه اینست که قطع لیتمان را ادا ماه دهیم . بر سر این شعار باید یک کمیته راه بیندازیم یعنی یک مجموعه فعالیت را با هم پیش ببریم ، اگر موفق شویم جلوی این کار دولت آلمان را بگیریم تودهنی محکمی هم به رژیم اسلامی زده ایم . مبارزه را ادا ماه می دهیم !

برگزاری جشن آغاز سال نو

ایرانیان شهرها نور در تاریخ ۲۳ سفند آغاز سال نو تمی را جشن گرفتند . در این جشن که به همت کانون بنا هندگان سیاسی و کارکنان سیاسی فرهنگی شهرها توفیر برگزار کردید ، حدود ۶۰۰ نفر ایرانیان مهاجر این شهر شرکت نمودند . در برنا مه فوق که از ساعت ۷ بعد از ظهر شروع و تا نیمه شب ادا ماهیافت ، سه رقص کردی ، موسیقی ایرانی ، رقص اسپانیولی و برنا مه کوتا ه "ردستی" توسط یک گروه دوتنفره آلمانی و برنا مه ویژه حاجی فیروز به اجرا آمدند . در انتهای برنا مه نیز شرکت کنندگان در جشن ساعتی را با آهنگهای خلقی ایرانی و موسیقی ایرانی به جشن و با یکویی برداختند .

همبستگی بین المللی برای بزرگداشت روز جهانی زن

روز جهانی زن در برلین غربی مارش عظیم ۲۰۰۰ نفر از زنان مبارز ملیت های گوناگون از جمله آلمانی ها ، ایرانیها ، شیلیایی ها ، ترک ها و کراهی ها گرامی داشته شد . زنان اغلب کشورهای بویژه کشورهای شبکه تحت سیطره رژیم های جاسا و ستمگر سرما به داری عقب مانده و سرکوبگر قرار دارند ، با حمل پلاکاردها ، وضعیت نا هنجار زنان کارکو در حکومتش کشورهای خود را افشا کرده و برای بهبود وضع و کسب حقوق انسانی و برابر شعار دادند . زنان ایرانی نیز که در رژیم جمهوری فقها تحت شدیدترین سرکوب قرار دارند ، با حمل پلاکاردهای با شعار "آزادی زنان بدون انقلاب و انقلاب بدون زنان امکان پذیر نیست" موضع خود را در قبال مسائل اجتماعی و از جمله مساله زنان ایران داشتند . آنها همچنین سیاهیه ای را در مورد وضعیت کنونی زنان ایران و قوانین فدیشری موجود علیه زنان در جمهوری فذن اسلامی قراشت کردند .

در پایان راهپیمایی زنان شرکت کنندنده ، جشنی را برپا کردند و با راه رقص و موسیقی خلقی خود و روز جهانی زن را گرامی داشتند . در خلال برنا مه های جشن یک زن مبارز شیلیایی در مورد وضعیت زنان و جنبش آنها در شیلی سخنرانی کرد .

سرکار رکنندگان راهپیمایی و جشن برای تدارک بهتر زهفته های قبل سمینارها را برای بررسی مسائل زنان کشورهای مختلف ترتیب داده بودند . یک هفته هم متعلق به ایران بود .

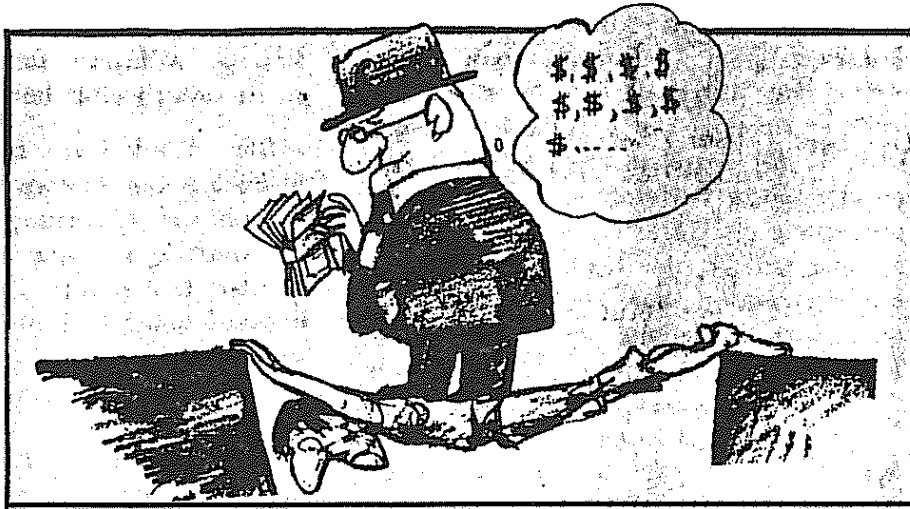
مرگ یک پناهنده سیاسی

تشریح پیام کارگر : طبق اطلاع پلیس آو فن برگ در آلمان غربی جسده پناهنده سیاسی احمد - پ ۲۷ ساله بتاريخ جمعه ۱۸/۳/۸۸ صبح در جوالی شهر پیدا شده و تحقیقات جهت علت مرگ نامبرده ادا ماه دارد . بدین مناسبت پناهندگان منطقه تا سف خود را از این واقعه جانگذاز اعلام می دارند .

Offenburg _ Baden

با پیام کارگر همکاری کنید و برای آن بنویسید!

در "جا معرفا ه" چه میگذرد



ما هنا مهمترقی آمریکا ئی مانظی ریویو در شما ره سینا مبر ۱۹۸۷ خود ، تابلوی گویائی از نحوه توزیع درآمد را ایالات متحد آمریکا طی دود هه ۱۹۶۳ الی ۱۹۸۲ ارائه داد ماست ۱۰ این تابلو که د ر زیر عینا نقل شد ماست ، مقایسه ای بین درآمد های ۱۰ درصد ثروت مند جمعیت با ما بقیا هالی (۹۰ درصد دیگر جمعیت) طی سالهای ۱۹۶۳ الی ۱۹۸۳ بعمل می آورد وید بین ترتیب تصویری از نتایج سیاست اقتصادیریگان یعنی "راست نوین" نیز بدست می دهد ۱۰ مشترکا به این تابلو نگاه می بینیم :

چنانکه ملاحظه می کنید ، طی فاصله سالهای ۱۹۶۳ الی ۱۹۸۳ ، سهم دود درصد جمعیت دارا ، از ۶۵/۱ درصد درآمد ملی به ۷۱/۷ درصد ارتقاء یافته و سهم نیم درصد از این دود درصد به تنها ۲۵/۴ است ۱۰ این نیم درصد که ثروتمندترین بخش جمعیت

معرفی یک اشرف جدید از ما رکز :

ما رکز اشرف جدید خود "ما جرای میگوئل لیتین، سفر غیرقانونی به شیلی" را بر اساس معا حبه ۱۸ ساعت با "میگوئل لیتین" فیلم ساز معروف و تبعیدی شیلیائی نوشته است ، این کتاب انعکاس سیمای واقعی زندگی مردمی است که در شرایط سخت توری شیلی بسر می برند . آنچه ما رکز را به نوشتن این اشرف ترغیب نمود ، چگونگی تهیه فیلم مستندی توسط لیتین بود که بطور مخفیانه و تحت سخت ترین شرایط سرکوب در شیلی انجام گرفت به بود . ما رکز بر این عقیده است که داستان چگونگی تهیه این فیلم ، خود اشرف بزرگی است که با دیدر سطح جهان معرفی گردد .

گابریل گارسیا مارکیا رکزنویسنده بزرگ کلمبیائی و برنده جایزه نوبل ۱۹۸۲ ، چندی پیش تصمیم گرفته بود تا سرنگونی پینوشه بعنوان اعتراض ، کسار ادبی اش را تعطیل کند ، اما دوستان شیلیائی او وی را از این تصمیم منصرف کردند . ما رکز از آن پس همچنان با "سلاح" خود علیه دیکتاتور پینوشه مبارزه کرده است ، اومی گوید : "من هرگز با هیچ سلاحی سروکار نداشته ام ، مگر با ما شین تحریرم !" وی که یکی از برجسته ترین نویسندگان معاصر است ، تمهای اصلی آثارش در خدمت جنبشهای رها ئی بخش آمریکای لاتین بوده ، چنانکه یکی از زمان نویسان پروشی درباره اومی گوید : "ما رکز مبلغ انقلاب کوبا است !"

موضوع اشرف جدید ما رکز رودوا قامت غیرمستقیم قانونی "لیتین" به شیلی است که ما رکز خواسته در آن مبارزه و زندگی روزمره مردم شیلی را از زبان این فیلم ساز ترسیم کند ، این کتاب برای اولین بار از زبان اصلی به آلمانی ترجمه شده است .

درصد تغییرات	۱۹۸۳	۱۹۶۳
دود درصد ثروت مند جمعیت	۷۱/۷	۶۵/۱
نیم درصد ثروتمندترین بخش جمعیت	۲۵/۴	۲۵/۴
نود درصد خانواده ها	۲۴/۱	۲۴/۱
بیشتر دود درصد ثروت (فقیر) جمعیت	۲-۳	۲-۳

می شد ۱۰ نظریه میرزا ان واید ثولوگهای پورژوازی وعده ه می دادند که سرمایه داری بر تحرك آمریکا ئی مبتنی بر نیوندیل روزولت ، همراه با طرح مارشال و گسترش شرکت های سها می و توسعه فورن بسم به الگوی "سرمایه داری مردمی" نزدیک می شود که در آن هر آمریکا ئی سرمایه دار خواهد بود و "جا معرفا ه" برقرار خواهد شد ۱۰ آنان با چنین چشم اندازی ، نظریه مارکس را در باره "مستند سازی و فقر نسبی" در جمعیت که به موجب آن تفاوت درآمد اکثریت غلیظ جمعیت نسبت به اقلیت ثروتمند در جامعه سرمایه داری فزونی می یابد ، مردود اعلام می کردند ۱۰ اگرچه در سال ۱۹۶۳ این رژیم درصد ثروتمند جمعیت ۲۵/۴ درصد درآمد را در اختیار داشت و ۹۰ درصد خانواده ها ، ۲۴/۱ درصد درآمد ملی را در اختیار بودند و این امر خوبی واقعیت "فقر نسبی" (و حتی "فقر مطلق" را برای برای بیست درصد تحتانی جامعه ۳-۴ درصد درآمد ملی) را در جامعه سرمایه داری (ولو پیشرفته ترین جامعه سرمایه داری با مدل فورنیستی توسعه اقتصاد) تأیید می کرد ، اما وعده های اید ثولوگها و نظریه میرزا ان پورژوازی فراوان بود ۱۰ هیچ جریان پسترا زلیبرا لیزم اقتصاد ی ، اید ثولوژی کلاسیک پورژوازی ، در دوره حکومت ریگان بطلان این ادعا ها را اثبات نکرد !

می باشند ، همان خانواده های صاحب هزار شرکت بزرگ آمریکا ئی و فرا ملیتی هستند که سها نشان سر نوشت معاملات مالی بورس نیویورک ، و تها می بازارهای اصلی سیادت پورژوازی (از پنتاگون ، سیا و ارتش گرفته تا مطبوعات و شبکه های تلویزیونی) را کنترل می کند و به حلق عنوان "سلطین مالی و صنعتی" را بر خود دارند ۱۰ قدرت آنان در تعیین سر نوشت سیاسی آمریکا ، آن چنان است که تبلیغات تجوی و ره گرد در پروزه های لوود را در چشم بهمزد نی به ریاست جمهوری آمریکا گذاشته اند و با این اقدام نشان می دهند که در آمریکا سیاست و سیاستمداران بر دگان بی چون و چرای پول و سلطین مالی و صنعتی هستند ۱۰ و اما نمود درصد دیگر جمعیت در سال ۱۹۶۳ تنها ۲۴/۱ درصد از درآمد ملی را بخود اختصاص می دادند که این رقم در سال ۱۹۸۳ ، ۶/۷ درصد تنزل یافته و به مقدار ۲۸/۲ درصد رسید ه است ۱۰ به عبارت دیگر در سال ۱۹۸۳ ، یعنی اولین سال پس از رکود ۸۲-۱۹۸۱ ، نیم درصد ثروتمند جمعیت به تنها ۶/۹ درصد (ما با تفاوت ۳۵/۱ درصد و ۲۸/۲ درصد) بیشتر از نود درصد جمعیت از ثروت ملی بهره بردارند ۱۰ همه می دانند که آمریکا در سالهای ۶۰ و ۷۰ میلادی بعنوان "سرزمین فرصتها" و "جا معرفا ه" معرفی

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا

آلمان فدرال

● بدنبال شکست مذاکرات کارگران و هیئت مدیره کمپانی کروپ در مورد کارخانه فولاد راین هاوزن، کارگران خشمگین ساختمان شرکت کروپ در شهر بوخوم را اشغال کردند. کارگران اعتراض کنند خواهان لغو تصمیم هیئت مدیره در مورد تعطیل کارخانه فوق هستند ولی در آخرین دور مذاکرات، هیئت مدیره کروپ یکبار دیگر تصمیم خود در مورد بستن کارخانه را به آنها اطلاع داد. بدنبال شکست مذاکرات فوق، حرکات کارگری در تمام صنایع فولاد آلمان فدرال به عنوان اعتراض به سیاست بیگسازای کارگران تریب الوتوغ است.



کارگران فولاد راین هاوزن دفتر شرکت کروپ را اشغال می کنند!

ژنو

● در ایلی ماه آوریل با امضای قرارداد بین افغانستان و پاکستان، کمپانی نیجیری نمایندگی دبیرکل سازمان ملل صورت گرفت، در کشور تسهیل داد ماند که رامبور داخلی یک یگرد خالت بکن هومتام ۵ میلیون آواره افغانی به کشور خود بازگردند. با امضای قرارداد فوق خروج نیروهای شوروی از آن کشور از ۱۵ مه آغاز می شود و احتمالاً در همین دوره دولت جدیدی با شرکت نیروهای اپوزیسیون تشکیل خواهد شد. مجاهدین افغانی قرارداد فوق را رد کرده و به علاوه دولت آمریکا نیز اعلام نموده است که کنگای خود را ماند می کشوری به دولت افغانستان کمک می کند به مجاهدین ادامه خواهد داد.

خاور میانه

● وزیر خارجه آمریکا در پایان اقامت ۵ روزه خود در خاور میانه برای ایجاد توافق بین اسرائیل و دولت عربی روز هشت آوریل بدون نتیجه و آشنگن بازگشت. موضع نخست وزیر اسرائیل در مورد رد کنفرانس بین المللی برای حل مسئله فلسطین و خودداری این دولت در برسمت شناختن سازمان آزادی بخش که موجب ناراضی اردن و سوریه گشت است. علت اصلی بی حاصلی سفر شولتز توصیف شد است. شولتز در پایان سفر خود اعلام کرد که برای بار سوم به خاور میانه جهت پیگیری طرح صلح سفر خواهد کرد و یکی از مقامات وزارت خارجه را برای ادامه فعالیت در منطقه معین نمود.

اسرائیل:

رسوایی صهیونیستها

● روز ۶ آوریل یک دختر ۱۵ ساله اسرائیلی در نزدیکی دهکده بتیا که محل تظاهرات شدید خلق بیخاسته فلسطین بود بقتل رسید. رژیم صهیونیست و ارتش اشغالگر آن بلافاصله اعلام کردند که این دختر بیعت پرتاب سنگ از جانب فلسطینیها بقتل رسیده است. رژیم نژادپرست اسرائیل هیا هوی بسیاری در این مورد بیا کرده در مراسم تشییع جنازه این دختر، اسحاق شامیر نخست وزیر صهیونیستها چنین گفت " خون ملست بعثت این قتل بجوش آمده و همه خواهان انتقام هستند ". بدنبال این بیانات ارتش سرکوبگر جوانان دهکده را دستگیر کرد که در حین آن یک جوان فلسطینی با گلوله سربازان شهید شد. آنها به بیانه تعقیب قاتل شروع به انفجار خانه های مردم دهکده کردند که تا روز ۱۶ آوریل ۱۴ خانه منفجر شد و ۳۰ جوان دستگیر گردیدند. اما روز ۸ آوریل در کالبدشکافی از جسد دختر مقتول مشخص شد که او در اثر مابت گلوله به سرش بقتل رسیده. گلوله از نوع گلوله تفنگ سربازان اسرائیلی و دقیقاً از همان نوعی بود که در همان روز ۶ آوریل دو جوان فلسطینی را زخمی و شهید کرده بود. ابعا رسوایی بعدی بود که داستان اسرائیل روز ۱ آوریل دستور توقف انفجار خانه های یروستایان را داد و اعلام کرد که دختر اسرائیلی با گلوله سربازان اسرائیلی بقتل رسیده است.

هندوراس

● در هفته اول آوریل در تظاهرات اعتراضی در مقابل سفارت آمریکا در هندوراس کمپانی عراقی به حضور نظامی سربازان این کشور رخاگ هندوراس و تحویل دادن یک متهم به تاجا کونگن به دادگستری آمریکا بود. ماست، پنج نفر توسط پلیس ضد شورش کشته شدند. تظاهرات کنندگان بیشترند انشجوی بودند و در جریان تظاهرات یکی از ساختمانهای سفارت آمریکا را اشغال کرده و خسارات زیادی به اموال آمریکایی وارد نمودند.



ادامه از صفحه ۱۰

حزب توده

مبارزه انقلابی نمی یابید. بظاهرمقاله تمام آن وجوهی را که برای یک مبارزه انقلابی لازم است قید نموده. و در این میان لابد مقاومت و ایستادگی در مبارزه همیشگی ندارد که فراموش شد ماست!

چگونه می شود عمری خیانت و تسلیم، عمری پرنسیپ فروشی و معامله را بفراموشی سپرد؟ شاید رهبران حزب توده فکری کنند اینها به زمانهای آنقدر دور ورتعلق دارند که بشود از نسل امروز پنهان نشان داشت. اما برآستی آن تازه ترین سریال تلویزیونی رهبران حزب هم آنقدر رکبته شده است که با جعل این داستان های "مقاومت" بتوان آنرا بفراموشی سپرد؟

آلمان فدرال

تظاهرات استرن مارش (عید پاک)



درها یلبرون: " (موشکها) را برای فرستنده پس بفرستید! "

استرالیا - ملبورن

هرساله تظاهرات و راهپیمایی های بزرگی علیه جنگ برای نابودی سلاحهای اتمی و صلح در شهرهای بزرگ استرالیا برگزار می گردد. ۱۰ اسامال این مارشهای صلح در روز ۲۷ مارس در سراسر استرالیا با حضور ده های زیادی از فعالین جنبش چپ و سبزها برگزار شد. در تظاهرات صلح ملبورن از جمله نیروهای شرکت کننده نیروهای مترقی ترك، سازمانهای مترقی كرد در تركيه و عراق، شیلیاییها، فلسطینی ها و ازنیکارا گوئه و از ایرانیها بودند. رفقای ما با پخش اعلامیه های همبستگی بین المللی ما را با خواست تظاهرات کنندگان اعلام کرده و پیشرفتهای جنبش صلح جهانی را در محدود کردن پارامی از سلاحها به آنان تبریک گفتند. در اعلامیه همچنین توجه شرکت کنندگان در راهپیمایی بنا بعد از فاجعه نیارو هول انگلستان ارتجاعی بین ایران و عراق جلب شده و پشتیبانی تمامی نیروهای مترقی و صلحدوست از پایان جنگ ایران و عراق طلب کرده بود. تظاهرات ملبورن با سخنرانی يك انقلابی پناهنده از "فیجی" و نمایشگاه عکسی از كردستان و اثرات مخرب ویران کننده جنگ ضد بشری بر كردستان ایران، عراق و ترکیه پایان رسید.

در فدانگفورت

در باره چگونگی دست یافتن به صلح در منطقه خاور میانه سخنرانی نمود. گروههای مختلف سیاسی و کانونیسیا وانجمنهای مترقی و از جمله گروههای سیاسی ایرانی در محل تظاهرات اقدام به گذاشتن میز فروش کتاب و نشریات نمودند. رفقای سازمان در فدانگفورت نیز با گذاشتن میز تبلیغات و پخش اوراق تبلیغی سازمان در این مراسم شرکت و با جنبش صلح ابراز همبستگی نمودند.

در کلن

هزاران تن از مردم صلحدوست کلن روز و شنبه ۴ آوریل در Neu Markt گرد آمدند تا ندای صلح خواهی خویش را بگوش جهانیان برسانند. این افراد که از محلات مختلف راهپیمایی خویش را آغاز کردند، سرانجام ساعت ۲ بعد از ظهر در Neu Markt به هم رسیدند، همگی صداهای جهانی برای سلاحهای اتمی و مرکز را طلب کردند. این افراد همچنین خواستار قطع فوری جنگ ایران و عراق شدند. شرکت ایرانیان در این جشن چشمگیر بود.

تظاهرات سالانه عید پاک (استرن مارش) که بعنوان یکی از مهمترین آکسیونهای تودم ای جنبش صلح در آلمان اهمیت خاصی است، اسامال نیز با شرکت بیش از ۳۰ هزار نفر برگزار شد. شرکت کنندگان در این تظاهرات که از صبح روز و شنبه ۴ آوریل ۸۸ از مناطق مختلف شهر فدانگفورت و نیز از شهرهای حومه آغاز راهپیمایی کردند، در محل میدان شهرداری فدانگفورت اجتماع کردند. پارامی از موضوعات مهمی که سال به سال را به هیئت عید پاک در فدانگفورت از سوی کمیته برگزاری انتخاب شد، عبارت بودند از مسئله بیگاری و جنبش کاهش ساعات کنار (۳۵ ساعت کار در هفته) و مسئله ادامه روند مذاکرات خلع سلاح اتمی. از میان مسائل مربوط به کشورهای جهان سوم مسئله جنبش خلق فلسطین انتخاب شد. سخنرانان مراسم که در محل تجمع تظاهرات کنندگان سخنرانی نمودند در باره موضوعات فوق ویا مسائل دیگر سخن گفتند. از جمله نماینده سازمان آزادی بخش فلسطین عبدالله فرنجی در سخنان خود که مورد استقبال قرار گرفت، به تشریح اوضاع فلسطین اشغالی و مواضع سازمان آزادی بخش

ادامه از صفحه ۶
حزب "کمونیست" کومه له

آنست که حول این برنا مبدی جنبش بسط راه بیندازند. حاصل اینکه، طرح مذکور بدون توجه به پایه اجتماعی جنبش دموکراتیک خارج زکشور محدود بودن این جنبش به دفاع از مطالبات عام دموکراتیک با طرح دفاع از حکومت شورایی فا تده هزنوع حرکت دموکراتیک - توده ای را خواننده است. این طرح در واقع چیزی جز تعمیم انجمن - های هواداران حزب "کمونیست" کومه له نیست. یعنی یک طرح سوپر سکتاریستی، که بی اعتقادی این "حزب" را به توده ها و همچنین جنبش دموکراتیک بخوبی عیان می سازد. این طرح یکی از زیاده ترین نمونه های در هم ریزی مرز میان تشکل های توده ای و تشکل حزبی را نیز نشان می کند. بنا بر این در طرح آقای کشا و رز آنچه وجود ندارد طرح سازماندهی و به اصطلاح "سیج یک جنبش توده ای - دموکراتیک" است. آنچه هست عبارت است از ایجاد دقت و پراکندگی در تشکل های توده ای و در یک کلام فلج کردن مبارزات دموکراتیک توده ای. مصادیق بارز چنین درکی در تاریخ جنبش دموکراتیک خارج از کشور یعنی تجربه کنفدراسیون کلا و لین قریانی جریسان سکتاریستی بود بخوبی نشان داده شده است. امروز که حزب "کمونیست" کومه له این جنبش را با خطر عدم طرح شعار "حکومت شورایی" مورد انتقاد قرار می دهد، در واقع انحراف اساسی کنفدراسیون را تثویز می کند.

نامه های رسیده

حتی هنگامیکه رنگ شستا اصطلاح "نظام سرمایه داری وابسته" را بکار می بردیم به لحاظ مفهومی معتقد نبودیم که این نظامی است متفک و مستقل از نظام سرمایه داری.


تجدد وابستگی همواره وجهی بود ما ست که ویژگی سرمایه داری ایران را توضیح می دهد. بدیهی است ما امروز اصطلاح فوق را که بهام زا و گنگ می باشد مورد استفاده قرار نمی دهیم. در مقاله مذکور نیز این اصطلاح در مجموعه مطالب نقل قول شد ما ز نشریات دوره نخست سازمان ما قرار دارند، که هدف از بازنگردن آنها نشان دادن این حقیقت درست و نظرات ما بود، که چرا انقلاب ایران بعنوان یک انقلاب مداوم می باشد. بایست فوراً چهارچوب های سرمایه داری را در همس می شکست و بسط سوسیالیسم پیش می ناخت.

رفیق با نام بهرام با اشاره به مقاله ما نسبت ۲۲ بهمن مندرج در پیام کارگر شماره ۱۳ سؤال کرد ما آیا طرح این ایده که: "استراتژی و تاکتیک انقلاب ما یکبار بدست توده ها در کوجه و خیا بان و کارخانه ها و روستاها، تحقیق یافت" با وجود یک دولت ارتجاعی چون جمهوری اسلامی گمراه کننده و متناقض نیست؟ همچنین در همین مقاله به نقل از نشریه کارگر در اول شماره ۱۱، مفهوم "نظام سرمایه داری وابسته" بازگو شد ما ست. آیا هم اکنون نیز این اصطلاح مورد قبول شماست؟

پاسخ هیئت تحریریه

رفیق بهرام عزیز، ما فکرمی کنیم پاسخ سؤال اول شما را می توان در همان مقاله یافت و جای نگرانی برای ایجاد این تلقی که آیا جمهوری اسلامی یک دولت ترقی خواه ما ست وجود ندارد. خصوصاً وقتی ما با نقل قولی از راه کارگر شماره ۱۱ روی شکست انقلاب انگلیس گداشته ایم. اما در رابطه با مفهوم تحقیق یافتن استراتژی و تاکتیک انقلاب، ما در یک پاراگراف پایین تر اولاً محتوای مشخص این استراتژی را که شامل "پیدایش شورا های کنترل کارگری در کارخانه ها، معاد رساختن های دولتی و متعلق به سرمایه داران توسط زحمتکشان معاد زمین ها بدست دهقانان و روستائیان فقیر، معاد رها دگان های نظامی و مراکز پلیس و تسلیح توده ها کنترل ادارات و سازمان های دولتی توسط کارمندان و کارگران به شکل شورایی می شود را بر شمرده ایم و تا نیا با صراحت گفته ایم "اما این استراتژی بعلمت عدم وجود حزب طبقه کارگر تا اوم نیافت و در نیمه راه متوقف شد". بنا بر این کاربرد اصطلاح "تحقیق یافتن استراتژی"، برای نشان دادن واقعیت اهداف و وظایف انقلاب و چگونگی پیش بردن آن توسط توده ها مورد نظر بود ما ست.

منتشر شده است



**کمونیسم
علیه
سوسیال دموکراسی**

ناخالی

رفیق عزیز - سکوت
 نامه ای از شما به پست مرکزی برای دریافت نشریه رسید ما ست، ولی آدرس آن همرا نبود ما ست لطفاً طی یادداشتی آدرستان را ارسال کنید. متشکریم.

رفیق مسعود
 نامه شما را همراه با برید روزنامه محلی و عکس منظره هرات و ترجمه کامل قطعه نامه ۹۸۵ شورایی امنیت دریافت کردیم. ما در پیام کارگر شماره ۱۴ اخباری منظره هرات را قبلاً درج کردیم. از همکاری شما صمیمانه سپاسگزاریم. بدین وسیله شما به پیام کارگر شماره ۱۴ را از اینکه سم شهر را به شتاب بجای لاسکو، لاسکو درج کرد ما ست، صحیح می نمایم.

رفیق مهران: نامه شما همرا با اطلاعات فراخوان به نظرات و برید روزنامه ها در مورد حادثه حمله تلو - نازیبستان در سالروز بهتد رت رسیدن ما شستما در آلمان به کانتینر (محل زندگی) پناهندگان در شرپس هایم - آلمان فدرال بدستان رسید. ما بدلیل اینکه نشریه شماره ۱۴ اخبار این حادثه درج شده بود، نتوانستیم مجدداً از آنها در پیام کارگر استفاده کنیم، اما در موقعیت های مناسب دیگر از عکس ها و مدارک فوق استفاده خواهد شد.

خوانندگان ما می زساند و یکن: رفیق عزیز ما شما را همرا با عکس از نظرات یا زده هم ما رس و قطعاً ما آن دریافت کردیم. ما قبلاً اخبار این نظرات را در پیام کارگر شماره ۱۶ درج کردیم و بهما خلاصه لغوی عناصری از گروه های اتحاد یک کمونیستها که قصد برهم زدن نظرات را داشتند اشاره کردیم، لذا از درج مجدد آن معذوره هستیم.

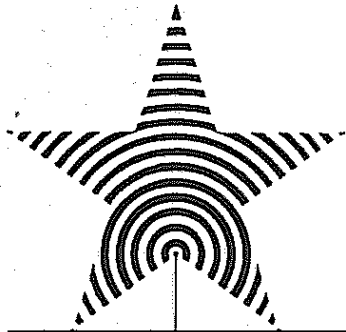
پیش بردن آن توسط توده ها مورد نظر بود ما ست. رویکرد ما به تجارب عملی توده ها و آنچه بوسیله آنها در خیابان ها در یک دوره مهم از تحولات تاریخی جامعه ما، یعنی دوره انقلاب بهمن، از اینجا ناشی میشود که معتقدیم برای سنجش برنا ما های طبقات مختلف هیچ معیار محکم و مدلی جز آنچه در عمل میلیون ها انسان تجلی پیدا کرد وجود ندارد. و ما کمونیستها امروز از این شانس برخورداریم که برای اثبات برنا ما خود می توانیم تجربه انقلاب بهمن تکیه کنیم، زیرا این تجربه بهترین وجهی حقا نیست موضع طبقه کارگر نسبت به انقلاب ایران به شستما رساند ما ست. این انقلاب، یک انقلاب حقیقتاً خلقی بود، یعنی انقلابی که خود توده ها آنرا با شعارها و کوششهایشان ساختند. معنی این جوانه های اولیه قدرت نوین چندان نپائید و تسلط رهبری روحانیت پزمره شد و از میان برخاست.

و در مورد سؤال دوم شما، باید اظها ر کرد که ما

از زندان های جمهوری اسلامی .

تعمیرات در ساعات سختی برنامه های

راهپوی صدای کارگر



صدای کارگر

راهپوی سازمان کارگران انقلابی ایران راه کارگر

★ برنا مه صدای کارگر هر شب ساعت ۶ روی موج کوتاه ردیف ۷۵ متربرابر با ۴ مگا هرتز پخش می گردد .

★ این برنا مه ساعت ۹ همان شب ساعت ۶ صبح روز بعد مجدداً پخش می گردد .

★ جمعه ها برنا مه ویژه پخش می شود

★ ساعت و طول موج صدای کارگر را به خاطر بسپارید ؛ ساعات پخش و طول موج صدای کارگر را به هر وسیله ممکن به اطلاع کارگران و زحماتشان برسانید و آنان را به شنیدن صدای کارگر دعوت نمائید !



...
دل

تخته بخون

...

شده بودند تا این دعا عشق وفادار در دفرق را تجربه کنند . رفیق یعقوب سرانجام به مال یا خود رسید اما ۳ روز بعد از دواجش دستگیر شد .

می گفت : "محبوب مهربا نمرا الحظله ای فراموش نمی کنم ، برآستی که دفرق اومی سوزم ، اما اوبا من هم عقیده است که عشق به خلق آتشین تر برشکوه تر و پیرارزش ترا ز هر نوع عشقی ست ، اومی - داند که من به عشق اوبه عشق بزرگم وفادارم و راهی را که می روم نشا عکرو وفاداری ست ."

اگر چه یاران نیمه راه ، مرشدان و خائنین ، در رابطه با فعالیت های رفیق یعقوب در کنگر و کردستان همه چیز را گفته بودند ، اما او استوار و مستحکم در برابر دشمنان ایستاد و حتی گفته های مرتدان را انکار می کرد !

بسی از آزادی از زندان خیرشهادت او را دریافت کردم . یعقوب به یاس وفاداری به عشق بزرگش ، استوار و حماسی با قلبی آتشین و مالامال از عشق به خلق و کینه به دشمنان خلق ، پس از تحمل قهرمانانه ، ماهها شکنجه های وحشیانه جسمانی و روانی در برابر جوجه تیرباران ایستاد و با خون پاک و سرخ بیایم را که دوست می داشت ، رقم زد : "مردان کینه ، مردان عشق اند ."



در سکوت مرگبار رسول ، صدای نفسهای تندش از خواب بیدارم کرد ، پرسیدم : یعقوب چته ؟ آرم بسا صدائی که صلابت همیشگی اش را نداشت ، گفت : چیزی نیست ، بگیر بخواب !

با آکا های از اینکه بیما رو قلبی دارد فکر کردم که برایش اتفاقی افتاده ، به سراغ رفیقیم ، نیمه جان در گوشه ای از سلول بخود می پیچید ، برگ با زحوشی اش ، که می بایست صبح تحویل با زجسو می داد ، بوشیده از خون بود و پارچه آب سلول پراز خون ، در کنگر ریگر نیمه جانش قرار داشت ، آرم بسا چهره ای خندان زمزمه کرد : چیزی نیست ، برگ دستم رازدم ، اما حیف ...

تاریکی و بی حالی ناشی از خوردن قرص های خواب آور ، مانع از آن شده بودند تا بتوانند بطور عمیق رگ دستش را بپاره کنند ، بدون آنکه دژخیمان متوجه اقدام او شوند خونریزی اش را ببند آورده ایم و برای مدتی در شرایطی سخت به مراقبت از او پرداختیم ، یعقوب از این رویداد جان سالم بدر برد .

چریک فدائی خلق ، رفیق "یعقوب کورتا شقایقی همیشه عاشق بود . می گفت "سه عشق زندگی ام را پر کرده است ، عشق به خلق ، کینه به دشمنان خلق و عشق به محبوبیم " . او هر هنگام که از کینه اش به رژیم خمینی و دشمنان خلق سخن می گفت ، تردیدی به خود راه نمی دادی که او به کینه اش نیز عشق می ورزد ، او به راستی تجلی عشق و کینه بود .

خاطره روزهای را که با پیکری بیما ، خون - آلود و شیا رخورده ، پس از تحمل ساعت ها شکنجه های وحشیانه جسمانی و روانی ، از عشق سخن می گفت ، فراموش نمی کنم ، او در آن شرایط سخت برای ما پرشور و عاشقانه از عشقش و از محبوب مهربانش می گفت و دژخیمان رژیم نیز با آکا های از وجود چنین عشق آتشینی با رها کوشیدند تا او را ادا ربه ارتداد و خیانت کنند اما او هرگز به خواست پلید آنها گردن ننهاد . رفیق یعقوب نزدیک به ۵ سال بوده که در کنگر مبارزه ایی اما ن علیه رژیم جلا د خمینی ، در آتش فراق بیامی سوخت ، اختلافات خانوادگی سبب

ALIZADI
B.P. 195
75564 PARIS - CEDEX 12
FRANCE

آدرس پیام کارگر

POSTFACH
650226
1 - BERLIN 65
W - GERMANY

سرنگون باد جمهوری اسلامی !
برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق !